



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال اول، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۹۳

گزارش دکتر صادق آیین‌وند از فعالیت‌های پژوهشگاه: مرتفع شدن تنش‌ها، انتخابی شدن روسای پژوهشگاه‌ها؛ تأسیس پژوهشگاه‌های جدید و تلاش برای بازپس‌گیری املاک پژوهشگاه و تدوین سند راهبردی

احمد صفار مقدم: باید آموزش زبان فارسی و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی را جهاد فرهنگی بدانیم

صادق آیین‌وند: اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها از اول انقلاب آغاز شد، اما این بار کار جدی‌تر است

راهکارهایی برای نجات سازمان میراث فرهنگی / کامیار عبدی

تأملی درباره «بحران آب و فرهنگ ایران» آزمونی برای خرد جمعی ما / علی‌اکبر مصلح

نگاهی که به کتاب تحولات قفقاز شمالی / شاهین آریامنش

درآمدی درباره تفسیر آماری، معرفی کتاب غرائب القرآن و رغائب الفرقان / ابراهیم دیباجی

نقدنامه تاریخ، باستان‌شناسی و هنر (۲) منتشر شد / شاهین آریامنش

برگزاری ضیافت افطاری پژوهشگاه «فرهنگ معاصر» در پژوهشگاه علوم انسانی

شاهین آریامنش: میراث فرهنگی مانع ساخت‌وساز در حریم پاسارگاد شود

گزارشی از سفر یک‌روزه به قلعه الموت

نیره دلیر: دیدگاه اسلام به زن فرانسوی است

معرفی کتاب سیمای خانواده در رمان فارسی دهه شصت / سمانه خودچیانی

چاپ چهارده نقدنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

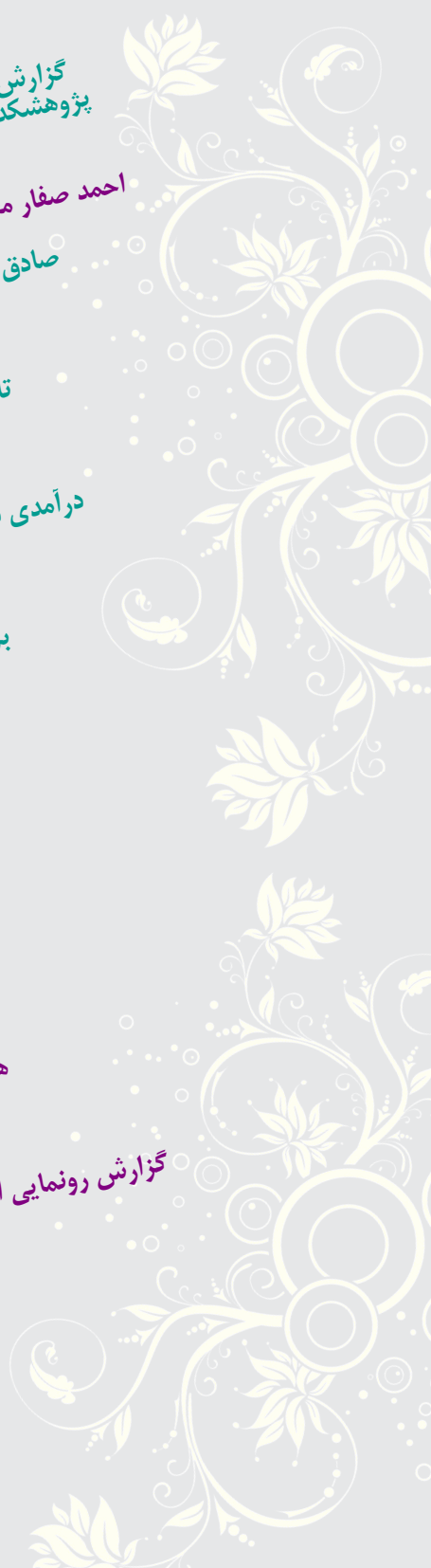
مریم صانع‌پور: شاخصه عقل‌گرایانه تشیع مغفول مانده است

هادی وکیلی: عرفان‌های نوظهور از جهات بسیاری، تهدید عقیدتی هستند

کریم مجتهدی: تفکر «گذشته در گذشته می‌ماند» ناصحیح است

گزارش رونمایی از کتاب فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب؛ اثر کریم مجتهدی

روشنمند کردن ترجمه علوم توسط امام رضا (ع) / صادق آیین‌وند



مرتفع شدن تنش‌ها؛ انتخابی شدن روسای پژوهشکده‌ها؛ تاسیس پژوهشکده‌های جدید و تلاش برای بازپس‌گیری املاک پژوهشگاه و تدوین سند راهبردی

مانده و الآن تنها چهار یا پنج ملک بازپس گرفته شده و از قوه قضائیه می‌خواهیم به ما در بازپس‌گیری این سرمایه‌ها کمک کند تا در آینده پشتوانه پژوهشی کشور باشد.

رئیس پژوهشگاه درباره تأسیس پژوهشکده‌های جدید گفت: تلاش ما در درجه نخست بر این بود که پژوهشگاه ساماندهی شود که خوشبختانه این امر اتفاق افتاده است و بنا به مناسبت‌هایی، فعالیت‌هایی انجام شده است. به‌عنوان مثال، به مناسب سال اقتصاد و فرهنگ که از سوی مقام معظم رهبری اعلام شده است، پژوهشکده فرهنگ معاصر و همچنین با همکاری معاونت فناوری ریاست‌جمهوری پژوهشکده علوم انسانی کاربردی تأسیس شد؛ علاوه بر این پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و پژوهشکده اخلاق و تربیت و پژوهشکده حقوق و پژوهشکده ارتباطات نیز کارشان را آغاز کردند که هر کدام از پژوهشکده‌ها رکنی از تحقیقات پژوهشگاه به حساب می‌آیند.

دکتر آیین‌وند درباره فعالیت‌های چاپ و نشر پژوهشگاه گفت: در این ۹ ماه ۴۴ عنوان کتاب تحقیقاتی؛ ۲۱ مجله علمی پژوهشی ساماندهی و ۲۸ مجله بارگذاری شده است و همچنین بیش از ۱۷۰۰ مقاله علمی - پژوهشی برای این مجلات آماده شده است.

رئیس پژوهشگاه درباره مشکلات مالی پژوهشگاه گفت: تاکنون ۳ میلیارد تومان از مطالبات دو سال گذشته را پرداخت کرده‌ایم و حتی معوقات اضافه‌حقوق سالیانه اساتید که پرداخت نشده بود را پرداخت کردیم. درواقع ما یک پژوهشگاه بدهکار را از دین مالی درآورده‌ایم. همچنین تلاش داریم تا به کمک نهادهای ذی‌ربط بودجه امسال را نیز به‌طور کامل محقق کنیم. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره توزیع آثار منتشره پژوهشگاه گفت: فروشگاه پژوهشگاه کمافی السابِق در خیابان کریم‌خان فعال است ولی به دلیل مشکل بودجه هنوز نتوانستیم فروشگاه‌های روبه‌روی دانشگاه تهران افتتاح کنیم که اگر بودجه محقق شود این کار نیز انجام می‌شود. همچنین در تلاش هستیم تا در اصفهان و شیراز و قم و دیگر شهرها مراکز فروش کتاب دایر کنیم. وی اظهار داشت: علاوه بر این امسال بیشترین فروش پژوهشگاه در این سال‌ها را در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شاهد بودیم و از آثار تحقیقاتی ما استقبال خوبی به عمل آمد که نشان می‌دهد کتاب‌های پژوهشگاه، علمی و درسی هستند.

وی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران درباره کاربردی کردن علوم انسانی در زندگی مردم گفت: بحث تحقیق در زندگی مردم که در پژوهشکده علوم انسانی کاربردی که با همکاری معاونت علم و فناوری ریاست‌جمهوری تأسیس شده برای آن است که پژوهش‌ها را ملموس‌تر کنیم، به گونه‌ای که پژوهش‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و دیگر پژوهشگران با شرایط روز جامعه منطبق باشد و علوم انسانی به گونه‌ای دست مردم را بگیرد و مشکلات مردم را حل کند. هدف از تأسیس پژوهشکده کاربردی نیز همین است که حاصل تحقیقات در زندگی مردم معنا پیدا کند. البته این بدان معناست که حاصل تحقیقات پژوهشگران به حل شدن مشکلات مردم کمک کند.

او درباره قطب شدن رشته‌های پژوهشگاه گفت: در بحث از قطب شدن ما باید در تلاش برای مرجع و سرآمد شدن در حوزه علوم انسانی باشیم.

نشست خبری و مطبوعاتی دکتر صادق آیین‌وند رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز ۱۸ شهریورماه ۱۳۹۳ برگزار شد. در ابتدای این نشست که با استقبال مطبوعات و خبرگزاری‌ها برگزار شد، دکتر آیین‌وند ضمن آرزوی سلامتی برای مقام معظم رهبری درباره متحول شدن علوم انسانی گفت: از دید تحول‌خواهی در علوم انسانی به نقطه‌های خوبی رسیده‌ایم، اما برای رسیدن به آن کمال مطلوب کار بسیاری در پیش داریم. چرا که انقطاع هزارساله‌ای که از قرن چهارم هجری تا انقلاب اسلامی وجود داشته است را نمی‌توان در مدت کوتاهی طی کرد. ما در حد توان کار کرده‌ایم اما رسیدن به آن مطلوب، زمان زیادی می‌خواهد. وضعیت علوم انسانی در کشور ما هم خوب و هم بد است و اگر محققانه به این سال‌ها نگاه کنیم درمی‌یابیم که اگرچه ضعف‌های زیادی وجود دارد، اما در این ۲۵ سال گذشته کارهای خوب زیادی هم انجام شده است.

وی با اشاره به تاریخچه پژوهشگاه یادآور شد: این پژوهشگاه به تعبیری ۸۰ و به تعبیر دیگر ۶۰ سال است که قدمت تحقیقاتی دارد؛ ۱۱ پژوهشکده در آن ایجاد شده و در مدت ۹ ماه فعالیت بنده نیز به تعداد پژوهشکده‌ها افزوده شده است.

وی در ادامه افزود: ۴۳۲ دانشجوی دکتری و کارشناسی ارشد، یک‌صد عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر اکنون در این پژوهشگاه فعال هستند. با توجه به اینکه پژوهشگاه علوم انسانی شرایط و استعداد و آمادگی قطب شدن علمی را در برخی رشته‌ها در کشور دارد؛ در تلاش هستیم که هم ارتباط جهانی و بین‌المللی را افزایش دهیم و هم پژوهش و علوم انسانی را در کشور کاربردی کنیم و با عینیت‌بخشی به مسائل اجتماعی در تحقیقات، پژوهش را به زندگی واقعی پیوند بزنیم؛ به سخنی دیگر پژوهش را از حالت آرشیوی خارج کنیم.

دکتر آیین‌وند با تأکید بر اینکه اکنون گروه‌های زبان‌شناسی و زبان فارسی در پژوهشگاه، شرایط قطب علمی شدن در ایران و حتی جهان را دارند، یادآور شد: بزرگ‌ترین پژوهشگران زبان‌شناسی اکنون در این پژوهشگاه فعال هستند و این مرکز در این زمینه از همه مراکز علمی کشور، بزرگ‌تر و معتبرتر است. همچنین در تلاش هستیم تا در رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ نیز قطب علمی شویم.

وی درباره شورای بررسی متون و جایگاه آن در پژوهشگاه علوم انسانی گفت: ۱۷ سال است که این شورا فعال است و اکنون دو هزار متخصص علوم انسانی در رشته‌های مختلف پانزده‌گانه، آن را پشتیبانی می‌کنند و درواقع یک شبکه اجتماعی برجسته در حال کار است که بر آنیم تا مرکزی راهبردی را برای تدوین درس‌نامه‌ها و نقدنامه‌ها و تدوین آینده تحقیقاتی کشور که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) است، برای اسلامی‌شدن علوم انسانی تأسیس کنیم.

دکتر آیین‌وند تصریح کرد: در تلاش هستیم تا با مراکز پژوهشی خارج از ایران ارتباط برقرار کنیم و مرکز تحقیقاتی کشور را به جهان علم متصل کنیم تا روزآمدی را به حرکت بومی‌سازی ملی تبدیل کنیم.

وی در بخش دیگر سخنانش به املاک توقیف‌شده پژوهشگاه اشاره کرد و افزود: در صورتی که این اموال بازپس گرفته شود ما ثروتمندترین پژوهشگاه کشور خواهیم بود، چرا که بیش از ۱۲۰ ملک توقیفی از دوران پهلوی باقی

اکنون گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه بالاترین گروه زبان‌شناسی در زمینه زبان فارسی در جهان است. همچنین گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه که به افراد برجسته‌ای مانند دکتر تقی پور نامداریان متصل است هم‌اکنون در تلاش است تا فرهنگ تاریخی زبان فارسی را به نگارش درآورد که این قبیل پژوهش‌ها برای قطب شدن و مرجعیت، بسیار مؤثر است. دکتر آیین‌وند درباره فعال شدن مطالعات قرآنی در پژوهشگاه گفت: پیشتر پژوهشکده‌ای به نام حکمت معاصر و مطالعات قرآنی داشتیم که آن را به پژوهشکده قرآن و حکمت معاصر تغییر داده‌ایم و در تلاش هستیم و تأکید داریم تا این پژوهشکده در این زمینه‌ها درخشندگی بیشتری داشته باشد و در زمینه‌های علوم قرآنی و حدیث محوریت داشته باشیم. از سویی مرکز تحقیقات امام علی (ع) در زمینه نهج‌البلاغه و حدیث و قرآن به فعالیت مشغول است و تأکید داریم تا علوم قرآنی به صورتی علمی و توسط دانشمندان این حوزه مورد پژوهش قرار بگیرد که امیدواریم در آینده در این زمینه نیز به قطب علمی تبدیل شویم. همچنین دو نشریه در این حوزه با نام‌های شیعه‌پژوهی و حکمت معاصر منتشر می‌شود و در سال تحصیلی جدید برای اولین بار دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن نیز خواهیم داشت که به امید خدا در سالیان آتی در این رشته در مقطع دکتری دانشجو پذیرش خواهیم کرد.

وی درباره طرح‌های ملی پژوهشگاه گفت: دو طرح کلان ملی در حال اجراست که یکی طرح امنیت اجتماعی است که توسط پژوهشکده علوم اجتماعی انجام شده و دستاوردهای آنان تاکنون در قالب کتاب‌های متعدد منتشر شده است و دیگری طرح جامع فرهنگ تاریخی زبان فارسی است که دکتر تقی پورنامداریان و همکارانشان در حال اجرای آن هستند. همچنین طرح‌هایی را نیز با تفاهم با دیگر دستگاه‌ها در حال اجرا داریم که یکی پژوهشی درباره اطلس ملی تاریخ ایران است و دیگری اطلس تاریخی حاکمیت دینی از انبیا و اوصیا و اولیا است که پیشتر در جایی کار نشده است و هم‌اکنون با مرکز تحقیقات جغرافیایی ارتش در حال اجراست و طرح‌های دیگری نیز در زمینه‌های مشابه در دست اقدام است.

رئیس پژوهشگاه درباره دیگر فعالیت‌های انجام شده گفت: تأسیس شورای انتشارات، کارگاه نسخه‌های خطی، فهرست‌برداری آثار خطی و سنگی کتابخانه، آموزش زبان‌های خاموش و تفکیک بودجه پژوهشی و فرهنگی از بودجه کلی پژوهشگاه و همین‌طور امضای تفاهم‌نامه با سازمان‌های مختلف از جمله فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان جغرافیا و دانشگاه پیام نور از فعالیت‌های انجام شده در این چند ماه بوده است.

وی همچنین با تأکید مجدد بر ضرورت ساماندهی اموال و املاک پژوهشگاه گفت: طبق مصوبه شورای انقلاب، تمام اموال دفتر و بنیاد فرح پهلوی به این پژوهشگاه متعلق شده است که هیئت‌وزیران نیز این مصوبه را تأیید کرده است. در این اسناد دست‌کم ۱۲۰ ملک متعلق به پژوهشگاه است که دیگران تصاحب کرده‌اند. باغ لارک که بیش از ۱۰۰ میلیارد قیمت دارد و ملکی در وردآورد که بیش از ۲۵ میلیارد قیمت دارد و همچنین ملک‌هایی در شیراز و اصفهان و کرمان و کرمانشاه متعلق به پژوهشگاه‌اند، اما در دست دیگران هستند که امیدواریم قوه قضائیه به این موارد رسیدگی کند و آن‌ها را به پژوهشگاه بازگرداند تا این اموال پشتوانه تحقیقاتی کشور شود. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تأکید بر اینکه اکنون در ۱۵ رشته روزآمد شدیم و آمادگی داریم برای دروس دانشگاه‌ها تحول ایجاد کنیم؛ اظهار داشت: هم‌اکنون شورای بررسی متون به نقد کتاب‌ها پرداخته و منابع ارزشی را شناسایی کرده و همچنین کتاب‌هایی را در این زمینه منتشر کرده است و اکنون مجموعه ما آماده است تا نتایج حاصل از این فعالیت‌ها را در اختیار دانشگاه و شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دهد. ما از فرهنگ غنی اسلامی در محور تحقیقات استفاده می‌کنیم و سعی‌مان

بر این است روزآمد و کارآمد باشیم و بومی‌سازی کنیم. وی درباره گروه تاریخ در شورای تحول و ارتقای علوم انسانی گفت: در آن گروه، رشته‌های تاریخ تمدن، تاریخ جهان، تاریخ اسلام، تاریخ ایران و تاریخ باستان را تأسیس کرده‌ایم و با روزآمدسازی، اسلامی‌سازی و بومی‌سازی درس‌ها تلاش داریم آن‌ها را با شرایط جدید علم تاریخ منطبق کنیم. او همچنین توضیح داد: ما در دانشگاه‌ها به دنبال شعاری و ایدئولوژیک کردن متون نیستیم و نمی‌خواهیم مباحث را از حالت علمی خارج کنیم اما در اینکه باید مبانی ارزشی حفظ شود، شکی نیست.

دکتر صادق آیین‌وند درباره وجود دیدگاه‌های مختلف در بین اندیشکده‌های علوم انسانی تصریح کرد: ما نفی نمی‌کنیم که در کشور نگاه‌های مختلف وجود دارد، شاید این‌ها به رشد کمک کند اما در حالت تطابق و تقابل نباید کار کنیم. ما به حالت تقابل در علوم انسانی باور نداریم چرا که علم، جایگاهی دارد که نمی‌تواند در تقابل باشد و چنین تقابلی در علم پاسخ نمی‌دهد. تلاش ما این است که خلأهای تحقیقاتی را پر کنیم. برای نمونه ما بیشترین پژوهش‌ها را درباره زبان فارسی داریم؛ چراکه باوجودآنکه ایران مرکز زبان فارسی در دنیاست؛ اما یک فرهنگ جامع زبان فارسی نداریم که اگر این خلأها پر شود ما دیگر محتاج تحقیقات مستشرقین نخواهیم بود. دکتر آیین‌وند با بیان اینکه حالت جایگزینی در اسلامی‌سازی بیشتر جواب داده است، افزود: ما اعتقاد به واکنشی و تقابلی عمل کردن نداریم چون علم خاصیتش مقابله و حرکات ژورنالیستی نیست. باید در علم ایده جدید ارائه کنیم، ما تلاشمان این است که در طرح‌هایمان خلأها را پر کنیم. دکتر آیین‌وند درباره وضعیت فعلی دانشگاه‌ها گفت: خوشبختانه نگاه امنیتی دولت قبل دیگر بر دانشگاه‌ها حاکم نیست. ما هم تلاش می‌کنیم در این پژوهشگاه موانع علوم انسانی را برداریم. ما در این پژوهشگاه کسی را در دوره جدید اخراج نکردیم. همچنین تلاش کردیم کسانی هم که پیشتر به دلایلی کنار گذاشته شده بودند را بازگردانیم. البته طبیعی است تحقیقات علوم انسانی، ارزشی است و لاجرم با مبانی فکری و سیاسی سروکار دارد. در همه کشورها این محدودیت‌ها هست ولی در ایران بیشتر است که بیشتر موانع فنی و شکلی است. در این پژوهشگاه، پژوهشگران مشکلی ندارند و امیدواریم که استادان علوم انسانی بتوانند در آرامش علمی حرکت کنند. تلاش می‌شود که علوم انسانی به عنوان علمی ارزشی در کنار دیگر علوم به حرکت خود ادامه دهد اما موانعی وجود دارد. در این پژوهشگاه تلاش می‌شود پژوهش‌هایی که امر واقع را بررسی می‌کنند و به کشور کمک می‌کنند و رهنمود علمی می‌دهند، ادامه پیدا کند.

وی در پایان اظهار داشت: در امور مالی سه میلیارد مطالبات تا به امروز به روز شده و در گروه‌ها و پژوهشکده‌ها تنش‌ها مرتفع شده است. پیشتر روسای پژوهشکده‌ها به صورت انتصابی بودند که ما در گروه‌ها انتخابات برگزار کردیم و روسای پژوهشکده‌ها توسط اساتید گروه‌ها انتخاب شدند که می‌توان گفت بهترین انتخابات در این پژوهشگاه انجام شد. همچنین هیئت جذب که به کار استخدام، بورس و جذب می‌پردازد نیز فعال شده و برای آن دبیری انتخاب شده است تا کارها ساماندهی شود. همچنین از نخبگان دانشگاهی در پژوهشگاه استفاده کرده‌ایم و هیئت‌امنا را که سالی یک‌بار هم تشکیل جلسه نمی‌داد، فعال کردیم. همچنین پژوهشکده‌های مختلفی همچون فرهنگ معاصر، علوم انسانی کاربردی، حقوق، ارتباطات، دین و رسانه، نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل را تأسیس کردیم و پژوهشکده اخلاق و تربیت را نیز در حال تأسیس داریم. شورای انتشارات و کارگاه نسخه‌شناسی و گروه فهرست‌برداری را در کتابخانه بسیار غنی پژوهشگاه فعال کردیم. برنامه راهبردی پژوهشگاه را نیز در حال آماده کردن داریم که به‌زودی مصوب خواهد شد و اساس کار پژوهشگاه خواهد بود.

باید آموزش زبان فارسی و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی را جهاد فرهنگی بدانیم

گفت‌وگوی نامه شورا، خبرنگار دیرخانه شورای عالی

انقلاب فرهنگی با دکتر احمد صفار مقدم

عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی

* مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به وضعیت زبان فارسی ابراز نگرانی کردند و خواستار حفظ و گسترش آن شده‌اند. به نظر شما این نگرانی از کدام جهات قابل رصد و پیگیری است؟

احمد صفار مقدم: نگرانی مقام معظم رهبری را باید به معنای تأکید بر ارزش و شأن و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در همه ابعاد آن، و بار سنگین و دلبذیری که بردوش ما قرار دارد، تعبیر کنیم. اما از آنجا که کار بنده در حوزه آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان^۱ است پیشنهاد می‌کنم که بحث حاضر به همین حوزه محدود شود. آثار و سوابق موجود در این حوزه، از جمله «کلمه طیبه»^۲ که چکیده بیانات مقام معظم رهبری را دربردارد و نیز اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مؤید اهمیت فراوان گسترش زبان فارسی در خارج از کشورند.

زبان فارسی ابزار ارتباطی ما با خود و دیگران و ابزار ارائه همه ارزش‌های تاریخی و فرهنگی ماست. ما تاریخ پر بار و پرافتخاری داریم و اگر فرهنگ به معنای عام آن را در نظر بگیریم زبان فارسی همه داشته‌های تاریخی ما را در گذشته و امروز شامل می‌شود: علم، دین، ادبیات، هنر، معماری و همه ویژگی‌های هویتی مانند عشق و علاقه به سرزمین مادری، مقاومت و فداکاری در طول تاریخ، پایبندی به اصول اخلاقی، اجتماعی و...

با توجه به تاریخ دوران اسلامی، شأن و جایگاه زبان فارسی و هویت ملی ما بیشتر آشکار می‌شود. در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، زبان فارسی مراحل دشواری را پشت سر گذاشته است. در اوایل ظهور دین مبین اسلام، خلفای اموی و عباسی مدت دو قرن بر ایران حکومت کردند و فارسی تسلیم زبان عربی شد، همان طور که کشورهای بسیاری پس از گرویدن به اسلام، زبان ملی خود را از دست دادند و زبان عربی، زبان رسمی آن‌ها شد. اما در ایران، این زبان فارسی بود که در نهایت، استقلال و اعتبار خود را باز یافت و البته به کمک زبان عربی، به زبانی توانا تبدیل شد. غیر از زبان عربی، زبان‌های مغولی و ترکی نیز با زبان فارسی رقابت داشتند. حدود چهار

نگران‌کننده آن ناشی از این واقعیت است که قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر، با استفاده از راه‌های مختلف نظامی، اقتصادی و بالادستی فرهنگی، سودای تسلط بر همه دنیا را در سر دارند. اینترنت، ماهواره‌ها و دیگر رسانه‌ها نیز نقش ابزاری برای نفوذ فرهنگی را بازی می‌کنند اما هدف این قدرت‌ها، نه تضعیف زبان، بلکه، مهم‌تر از آن، تضعیف مبانی اعتقادی و اصول فرهنگی جامعه است که با کمال تأسف خلی هم پیش رفته‌اند. این مشکل تنها گریبان‌گیر ما نشده و بسیاری از کشورهای جهان با استیلائی فرهنگی قدرت‌های غربی مواجه‌اند.

در مجموع می‌توان گفت که استیلائی فرهنگی در شرایط کنونی از دوره‌های طولانی استیلائی بیگانه سخت‌تر نبوده و جامعه ایرانی باید و می‌تواند، همان گونه که حوادث هولناک سیاسی و نظامی عصر حاضر و همه دوره‌های تاریخی خود را پشت سر گذاشته، به‌پشتوانه همان ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی و تکیه بر توان ملی، به شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست یابد که طبیعتاً به معنی حراست از زبان فارسی و تقویت آن نیز خواهد بود.

پدیده دیگری که ممکن است از نشانه‌های «حیض» زبانی شناخته شود ورود واژه‌های غربی به زبان فارسی است. این مورد را هم باید پدیده‌ای جهانی بدانیم که اختصاص به زبان فارسی ندارد و دو نکته درباره آن قابل تأکید است. اول اینکه حجم کلمات و اصطلاحات کاملاً فنی و تخصصی بیش از آن است که بتوان آن‌ها را واژه‌سازی کرد و به فارسی برگرداند اما باید تلاش شود که همراه با رشد فزاینده علم در ایران، مطابق تصریحات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی، زبان فارسی، به کمک فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به توان بالای علمی دست یابد و به زبانی علمی تبدیل شود. در مورد واژه‌های همگانی و سایر اصطلاحات اختصاصی و علمی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی برنامه‌های وسیعی را طی سی سال گذشته به اجرا درآورده است. به‌این ترتیب، توفیق فرهنگستان در جلوگیری از نفوذ بی‌رویه واژگان بیگانه و تقویت زبان فارسی را باید بسیار امیدبخش دانست اما تنها مشکلی که هنوز کاملاً حل نشده راهکار ترویج واژه‌های مصوب است.

* جناب آقای دکتر، بنا به فرمایش شما، قطعاً زبان فارسی نقاط قوتی دارد که در شرایط فعلی می‌تواند با تهاجم‌های موجود مقابله کند. از نظر شما این نقاط قوت چه هستند که ما می‌توانیم از آنها برای گسترش زبان فارسی استفاده کنیم؟

قرن، اقوام ترک نژاد که از شمال شرق به کشور وارد شده بودند، به‌ویژه، غزنویان و سلجوقیان و بعد از آن‌ها، حدود سه قرن مغولان و تیموریان در ایران حکومت را به‌دست گرفتند. یعنی، با وجود اینکه مدت نه قرن بیگانگان و غیرایرانیان در کشور ما حکومت داشتند، زبان فارسی، نه تنها مقاوم و توانا، مسیر خود را ادامه داد بلکه گنجینه عظیمی از دانش و معرفت بشری و معنویت‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی را در خود پروراند.

درحقیقت، ما امروز، به‌جای زبان فارسی، باید به زبان عربی، ترکی یا مغولی صحبت می‌کردیم و زبان فارسی تنها به یک زبان باستانی تبدیل و فراموش شده بود. این بحث، از طرف دیگر، نشان می‌دهد که ملت ایران اساساً ملتی مقاوم، معتقد و پایبند به سرزمین و هویت و زبان خود می‌باشد که توانسته است پس از تحمل ۹۰۰ سال حکومت بیگانه و غیرایرانی در دوره اسلامی و موارد مشابهی در دوره باستان، هم کشور و هم زبان و هم اصالت فرهنگی خود را حفظ کند. بنابراین، زبان فارسی قطعاً یکی از ارزشمندترین ثروت‌های ما ایرانیان به شمار می‌آید و همگی باید در حفظ و حراست از آن، صادقانه و عاشقانه، تلاش کنیم.

* شما به استمرار زبان فارسی درعین اینکه تحت فشار زبان‌های عربی، مغول و ترکی قرار داشته است، اشاره کردید. این را می‌توان نشانه صلابت و قدرت زبان فارسی در نظر گرفت اما در شرایط کنونی مسئله این است که زبان فارسی وارد حیض فرهنگی شده است و استیلائی فرهنگ‌های دیگر، مانع حفظ و استمرار قدرت زبان فارسی می‌شود. آیا شما به این موضوع باور دارید و چه کارهایی را می‌توان برای مقابله با این شرایط انجام داد؟

صفار مقدم: مسئله جهانی شدن و جهانی‌سازی واقعیتی است که نمی‌توان به آن باور نداشت. بخشی از تغییرات فرهنگی، از جمله در زبان، پدیده‌ای طبیعی است که از تأثیرگذاری و روابط متقابل فرهنگ‌ها ناشی می‌شود ولی بخش

صفار مقدم: با توجه به نوع تهاجم‌هایی که به آن اشاره شد، نقاط قوت زبان فارسی و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی ما که می‌توان از همه آنها در تقویت این زبان استفاده کرد چند دسته‌اند:

اول، توان ارتباطی از جمله تعداد کثیر گویندگان در کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان و بسیاری از کشورهای واقع در حوزه جغرافیایی ایران فرهنگی و اخیراً در اروپا و آمریکا، همچنین توانایی بیان مفاهیم در حوزه‌های گوناگون، سادگی و سهولت یادگیری، و شیرینی و لطافت و خوش‌آوایی زبان فارسی.

دوم، گنجینه ادبی زبان فارسی، اعم از نظم و نثر، که اقیانوسی از حکمت، عرفان، اخلاق و سایر جنبه‌های زندگانی بشر را دربردارد و هیچ‌وقت اعتبار آن از بین نمی‌رود.

سوم، ارزش‌های تمدنی و فرهنگی دیگر همچون علم، هنر، معماری و ویژگی‌های هویتی ما. به دلیل مجموعه ارزش‌های ادبی و غیرادبی است که ایران صاحب بخشی از میراث فرهنگی جهان به شمار می‌آید. ما باید این ارزش‌ها را، هم برای خودمان و هم دیگران، جدی‌تر بگیریم. شاید اول باید آن‌ها را به خودمان بهتر معرفی کنیم و خودمان بیشتر بشناسیم چرا که در نتیجه تهاجم فرهنگی، کم‌کم اتکای فرهنگی به خویش را از دست می‌دهیم و، مخصوصاً، قشر جوانتر، از فرهنگ بومی، ملی و اعتقادی خود تهی می‌شوند. این پیشینه فرهنگی در همه‌جا، به‌ویژه در حوزه فرهنگی ایران بزرگ و جوامع علاقه‌مند به تحولات اخیر ایران، منبعی برای مطالعات و پژوهش‌های ادبی، اجتماعی، تاریخی و غیره می‌باشد و از این‌رو، معرفی آن در کشورهای دیگر نیز، ضمن احترام به فرهنگ آنان، اهمیت بسیار دارد.

چهارم، ارزش‌ها و قابلیت‌های فعلی کشور. عصر حاضر، عصر فرهنگ است. جدا از حکومت‌هایی که داعیه‌های سیاسی دارند، ملت‌ها تشنه شناخت زبان‌ها و فرهنگ‌های یکدیگرند. هم‌اکنون، با وجود اینکه ما مشکلات سیاسی متعدد با خارج داریم، اگر بنا بر رأی ملت‌ها باشد، با مشتاقان فراوان سفر به ایران و دیدار از جذابیت‌های این سرزمین مواجه می‌شویم. از این گذشته، انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی در ایران تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عظیمی را در سطح منطقه و جهان پدید آورده و توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. زبان فارسی مهم‌ترین زبان دینی پس از عربی محسوب می‌شود و جامعه‌المصطفی بزرگ‌ترین مرکز آموزش‌های دینی به زبان فارسی در منطقه و جهان شناخته می‌شود. اشتیاق دانشجویان فارسی‌آموز برای آموزش زبان و ادبیات فارسی در ایران بسیار قابل توجه است و تقریباً همه دانشگاه‌های ایران این

رشته را به دانشجویان خارجی تدریس می‌کنند. افزون بر زبان و ادبیات فارسی، ارتقای سطح علمی کشور باعث جذب علاقه‌مندان زیادی برای تحصیل در رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی گردیده است. صدور خدمات فنی-مهندسی ایران به خارج از کشور را باید از دیگر عوامل جذب خارجیان به آموزش زبان فارسی دانست. جالب توجه است که فیلم‌های سینمایی ایران نیز از دلایل علاقه‌مندی بسیاری از خارجیان به آموختن زبان فارسی شمرده می‌شود. اینها کلیاتی از نقاط قوت زبان فارسی و ارزش‌های جامعه ایرانی برای تقویت زبان فارسی به‌شمار می‌آید.

* شما در مسئولیت‌هایی که با ارتقا و گسترش زبان و ادبیات فارسی مرتبط هستند، تجربه‌ای نیز در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی داشته‌اید. به نظر شما نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و نقش رایزنی‌های فرهنگی در انتقال مفاهیم و داشته‌های فرهنگی ما در اقصی نقاط جهان چیست؟

صفار مقدم: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بزرگترین نقش را در حوزه تقویت و گسترش زبان فارسی و انتقال ارزش‌های فرهنگی ما در خارج از کشور به عهده داشته و خواهد داشت. رایزنان فرهنگی ایران در حدود ۷۰ کشور مستقر هستند و بیشترین فعالیت‌های آموزشی در خارج از کشور تاکنون توسط این رایزنی‌ها و یا به کمک آنها اجرا شده است. مقامات سازمان و رایزنان فرهنگی عموماً شخصیت‌های فرهنگی فرهیخته و معتقد و مومن هستند. اگر رایزنی‌ها نبودند، می‌توان گفت که عمده فعالیت‌هایی که تا به حال انجام شده، عملی نمی‌شد. بنابراین، رایزنی‌ها نقش بسیار برجسته‌ای دارند. ذکر این نکته نیز مهم است که نقش رایزنی‌های فرهنگی اگر به درستی اجرا شود در حقیقت نقش جهادی شناخته می‌شود که حتی در محیط‌های بسیار دوردست و بیگانه، و به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی، از ارزش‌های فرهنگی ما نه تنها دفاع می‌کنند، بلکه با همه وجود و توان به نشر و ترویج آنها می‌پردازند.

* نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی را در این راستا به عنوان یک نهاد بالادستی چه می‌دانید؟ آیا توصیه‌ای برای شورایی انقلاب فرهنگی برای باز شناساندن زبان و ادبیات فارسی دارید؟

صفار مقدم: بعد از مقام معظم رهبری که همیشه تأکید بر جایگاه زبان فارسی و توسعه و گسترش آن داشته‌اند، نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌جهت تدوین اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و تصریحات مکرر در حوزه مورد بحث بسیار حائز اهمیت است. اقدام مهم بعدی شورایی انقلاب فرهنگی تصویب اساسنامه بنیاد سعدی^۳ است که امید می‌رود تحول عظیمی در رشد و گسترش زبان فارسی در سطح جهان را ممکن سازد. از نظر من، مهمترین کاری که این شورا می‌تواند انجام دهد ارزیابی، پیگیری و تأکید بر اجرای خواسته‌های مقام معظم رهبری و برنامه‌های مصوب در اسناد بالا دستی و اساسنامه بنیاد سعدی است.

* شما تجربیاتی در خصوص تدریس فارسی به غیر فارسی‌زبانان داشته‌اید و توفیقاتی در زمینه فناوری انتقال زبان و تولید نرم‌افزارهای آموزشی کسب کرده‌اید. ممنون می‌شوم که در خصوص این تجربیات توضیحاتی را بفرمایید.

صفار مقدم: از سال ۱۳۶۹ با اعزام به بوسنی برای مأموریتی آموزشی، وارد این حوزه شدم. بعد از آن نیز دو سال در کره جنوبی به آموزش زبان فارسی پرداختم. به عنوان یک عضو هیئت علمی رشته زبان‌شناسی، در طی این مأموریت‌ها متوجه شدم که زبان و ادبیات فارسی و همین‌طور فرهنگ ایران در خارج از کشور جایگاه و ارزش بسیار بالایی دارد و می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای شأن فرهنگی کشور ایفا کند.

آموزش زبان فارسی در خارج از کشور با محدودیت‌های زیادی همراه است. متأسفانه آمار درستی در این زمینه نداریم اما بسیاری از مدرسان ما و شاید بیشتر آنها در خارج از کشور، معلمان بومی هستند و از تسلط در جنبه‌های مختلف زبان، به‌ویژه گونه گفتاری آن، محرومند. مدرسان ایرانی که فاقد تخصص آموزش زبان می‌باشند گروه بزرگ دیگری را تشکیل می‌دهند. بنابراین، بهترین کمکی که می‌توانیم به مدرسانمان بکنیم این است که، با استفاده از فناوری‌های جدید، امکان تدریس زبان فارسی را به خارج از کشور منتقل کنیم و در اختیار آن‌ها قرار دهیم، با این هدف که هراستادی در هر نقطه از عالم، بتواند حتی‌الامکان از شرایطی مشابه آموزش زبان فارسی توسط یک ایرانی متبحر و ماهر برخوردار شود. پس از تولید نرم‌افزارهای آموزشی، آموزش برخط زبان برای مخاطبان زبان فارسی در جهان نیز دارای اهمیت ویژه است.

* شما در راستای ارتقاء فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی سایت اینترنتی نیز راهاندازی کرده‌اید. با چه مشکلات و موانعی در این راستا روبه‌رو شدید و آیا مسیر رسیدن به هدف سهل‌الوصول است و یا اینکه مشکلاتی در این مسیر وجود دارد؟

صفا مقدم: لازم می‌دانم در اینجا اشاراتی به وضعیت کلی آموزش زبان فارسی داشته باشم. تقریباً در همه کشورهای که انس و الفتی با زبان و فرهنگ و ادب دارند، بخش زبان فارسی در مقاطع مختلف، حتی تا دکتری وجود دارد و، بنابراین، حوزه فعالیت بسیار وسیع است اما یک مشکل مشترک در عموم این مراکز، مشکل آموزش مهارت‌های گفتاری زبان فارسی است که وجود وبگاه‌های آموزشی کمک بزرگی محسوب می‌شود.

خوشبختانه در داخل ایران در زمینه آموزش زبان فارسی، کارهای بسیار زیادی انجام شده است. رشته آموزش زبان فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، شهید بهشتی، الزهراء، شیراز، مشهد و گیلان و بعضی مراکز دیگر وجود دارد. جامعه المصطفی قم در زمینه آموزش زبان فارسی به خارجیان فعالیت بیشتری دارد. دانشگاه امام خمینی قزوین و خیلی از دانشگاه‌های دیگر در آموزش زبان فارسی و جذب دانشجوی خارجی فعال‌اند. همه اینها به کمک آموزش زبان فارسی در خارج از کشور می‌شتابند.

سایت آموزش زبان فارسی که شما به آن اشاره داشتید، بیش از همه در جامعه المصطفی، به‌ویژه در حوزه‌های دینی، تأثیرگذار است و سایت دانشگاه امام خمینی قزوین نیز فعالیت زیادی دارد. تقریباً تمام مراکزی که نام بردم سایت دارند. ما هم وبگاه «آزوفا» را در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی راه‌اندازی کرده‌ایم و در گام اولیم. از آنجا که هدف بزرگ است و آموزش مجازی، در مقیاس وسیع، تجربه جدیدی برای زبان فارسی محسوب می‌شود، با هدف نهایی هنوز فاصله داریم و رسیدن به آن هم سهل و آسان نخواهد بود.

شما در نظر بگیرید که کشور مغرب ۲۵۰۰ دانشجوی زبان فارسی دارد^۴ و در دانشگاه‌های کشور مصر حدود ۴۰۰۰ دانشجو و ۱۵۰ استاد به آموزش زبان فارسی مشغول‌اند^۵. این فقط دو نمونه است. در مناطقی که ایران حضور فرهنگی و زبانی داشته، یعنی در گستره‌ای از چین تا مناطق عثمانی و اروپا و به اصطلاح تا پشت دیوارهای وین، در همه این گستره، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی به‌شکلی با تاریخ و فرهنگشان عجین است و علاقه‌مندان به

زبان فارسی فراوان‌اند. علاقمندی برخی از این کشورها به‌قدری است که حتی در دوره‌های دبستان فارسی درس می‌دهند. ما باید در هر نقطه از این منطقه وسیع که به یادگیری زبان فارسی احساس علاقه کردند، حضور جدی داشته باشیم و هر فارسی‌آموز را سفیری برای ترویج زبان و فرهنگمان بدانیم. درحالی‌که عملکرد فرهنگی ما هنوز ضعیف است و امکانات بسیار محدودی داریم. سایت‌های اینترنتی یقیناً راهکار مؤثری برای کمک به رشد زبان فارسی در این مناطق می‌باشند ولی ما باید بسیار قوی‌تر از این عمل کنیم.

* فرمایشات شما اشاره‌ای به لزوم عملکردی قدرتمندتر در حوزه دیپلماسی فرهنگی دارد. کشورهای دیگر مانند انگلستان و به‌ویژه فرانسه در این حوزه بسیار قدرتمندتر عمل کردند. بنابراین جایگاه دیپلماسی فرهنگی ما در این حوزه ضعیف است. چه توصیه‌ای برای این حوزه دارید؟

صفا مقدم: ابتدا لازم است به احتمال یک برداشت و تصور غیرواقع‌بینانه اشاره کنم و آن اینکه انتظار داشته باشیم در حال حاضر مانند انگلستان و آمریکا و فرانسه عمل کنیم و زبان فارسی را از نظر توجه و کاربرد جهانی به پای زبان‌های انگلیسی و فرانسه برسانیم. واقعیت آن است که این زبان‌ها در شرایط آرمانی در مجموعه امکانات و عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و حتی نظامی به سطح کنونی رسیده‌اند. اما زبان فارسی، گرچه در برخی برهه‌ها نقش زبان بین‌المللی را به عهده داشته، در شرایط کنونی فاقد توانایی در آن سطح است. البته این انتظار آرزوی ملی ماست و با تداوم حرکت ملی به سوی رشد محقق خواهد شد.

به‌لحاظ واقعی، دوباره باید به تأسیس بنیاد سعدی اشاره کنم که حاصل دیپلماسی مطلوب فرهنگی است و به شرط تداوم حمایت از این نهاد در حد اجرای اساسنامه مصوب، می‌توانیم شرایط درخشانی را در آینده نزدیک شاهد باشیم. گزارش عملکرد بنیاد سعدی که به‌تازگی مطرح شد تصویری از آمال و آرزوهای ملی برای زبان فارسی و ترویج فرهنگی دارد و بسیار نویدبخش است و ازاین‌رو، ما با تأسیس بنیاد سعدی، به‌لحاظ دیپلماسی، کمبودی احساس نمی‌کنیم. آنچه اینک بیش از همه اهمیت دارد این است که حوزه آموزش زبان فارسی در جهان و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی را جهاد فرهنگی بدانیم و با تمام وجود، با تمام اعتقاد و با تمام عشق و

علاقه، به این حوزه مقدس فرهنگی پایبند باشیم و به‌ویژه، مسؤولان و مجریان ذیربط زندگی اجتماعی خود را وقف آن کنند.

* در پایان اگر نکته دیگری به نظر تان می‌رسد بفرمایید.

صفا مقدم: با تقدیر از زحمات شما، یکی دو نکته به نظر می‌رسد که در مطالب قبلی مطرح نشد و بهتر است در اینجا به آن‌ها اشاره کنم. اولین نکته اینکه ارزیابی‌های معمول در حوزه جهانی آموزش زبان فارسی می‌تواند فریب‌دهنده باشد و ما را از واقعیت دور سازد به این معنی که ما صرفاً کاری را که انجام داده‌ایم مبنای ارزیابی قرار می‌دهیم که اغلب رضایت‌بخش نشان می‌دهد، درحالی‌که نیاز مخاطبان باید مبنای سنجش عملکرد ما باشد. به عنوان مثال، باید ببینیم که برای هریک از ۲۵۰۰ فارسی‌آموز در دانشگاه‌های کشور مغرب و یا برای ۴۰۰۰ دانشجوی زبان فارسی کشور مصر یا فارسی‌آموزان کثیر نقاط دیگر چه کرده‌ایم و اگر از کل این آمار تنها چند نفری در دوره‌های مثلاً دانش‌افزایی یا مجامع بین‌المللی شرکت کرده‌اند، خدمت زیادی به کل فارسی‌آموزان نکرده‌ایم.

نکته دوم به شناخت واقعیت‌های آموزش زبان فارسی در خارج از کشور مربوط می‌شود. ما باید مطابق آن واقعیت‌ها به راهکارهای مناسب دست یابیم، اما شناختمان در حال حاضر محدود است. مثلاً نویسندگان مقالات عمدتاً برپایه نوشته پژوهشگران غربی و مطابق آن معیارها مقاله می‌نویسند و زحمات آنان کمتر عاید فارسی‌آموزان در نقاط مختلف می‌شود. اگر به شناخت بیشتری از مخاطبانمان در سطح جهان دست یابیم آنگاه با تنوعات فراوان به لحاظ سطح مخاطبان، انگیزه‌ها و نیازهای آنان، امکانات آموزشی و غیره آشنا خواهیم شد و به راهکارهای مؤثرتری در تحقق اهداف متعالی خود خواهیم رسید.

پی‌نوشت‌ها

۱. آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان (آزوفا) ویژه تحقیقات و تالیفات آموزشی که از سال ۱۳۸۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأسیس شده است.
۲. «کلمه طیب» گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در شأن و جایگاه زبان و ادبیات فارسی و اهمیت گسترش آن در جهان. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی زبان فارسی در جهان، به‌کوشش محمدرضا دربندی، ۱۳۹۱.
۳. اساسنامه بنیاد سعدی، مصوب جلسه ۶۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۸/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. الزموسی، واد. وضعیت زبان فارسی در دانشگاه‌های مغرب. مجموعه مقالات ششمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، به‌کوشش عباسعلی وفا، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۷.
۵. گزارش استادان دانشگاه‌های کشور مصر در ضیافت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای ۶۰ تن از استادان آن کشور، ۱۳۹۱.

توضیحات دکتر آیین‌وند درباره کارکرد شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی:

اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها از اول انقلاب آغاز شد، اما این بار کار جدی‌تر است

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌گوید: مصوبات شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی چیزی نیست که نوشته شود و به دانشگاه‌ها تحمیل شود و افکار تنگ‌نظرانه خاصی را در نظر گرفته باشد، بلکه به رشته‌ها علمی، فنی و ارزشی نگاه شده است.

دکتر صادق آیین‌وند، استاد رشته تاریخ و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس است و سوابقی نظیر ریاست دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (۸ سال)، سرپرستی گروه علوم اجتماعی شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سرپرستی کمیته برنامه‌ریزی تاریخ و باستان‌شناسی شورای عالی برنامه ریزی و عضویت در شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم را در کارنامه مدیریتی خود دارد.

وی اکنون رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی و همچنین عضو کارگروه تاریخ این شورا است. وی در خصوص شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی و کارگروه تاریخ این شورا با پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت‌وگویی داشته که در ادامه، این گفت‌وگو عیناً و بدون هیچ ویرایش و حذف و اضافه‌ای می‌آید:

آقای دکتر شما به عنوان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و عضو کارگروه تحول و ارتقای علوم انسانی فکر می‌کنید مهمترین اقدامی که شورای تحول تاکنون انجام داده، چیست؟

آیین‌وند: مهم‌ترین اقدام این است که شورای تحول چهارده، پانزده رشته‌ای که حساسیت در مورد آن‌ها وجود داشته و قرار بوده که روزآمد، کارآمد، اسلامی و بومی شوند را به گروه‌های متخصص سپرده است. هر گروه متشکل از متخصصان و برنامه‌ریزان آن رشته است که کاملاً بر این مسائل واقف هستند و به نظر می‌رسد که تاکنون موفق هم بوده‌اند. انشاءالله تا پایان سال البته برنامه کوتاه مدت تحول در رشته‌ها را پیاده می‌کنیم؛ چراکه برای این امر برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت پیش‌بینی شده و در واقع قرار است که مستمر صورت گیرد.

ارزیابی شما از عملکرد شورا تا به امروز چیست؟

آیین‌وند: شورا هنوز به بار نیامده و تازه یک یا دو رشته اعلام شده است باید صبر کرد تا بیشتر رشته‌ها اعلام شود و بازخورد آن را در دانشگاه‌ها ببینیم. اما به هر صورت، اعضای شورا تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند و من خودم چون در کارگروه رشته تاریخ هستم می‌توانم بگویم که کارهای زیادی انجام شده است. ما از متخصصان زیادی دعوت کرده‌ایم و نگاهشان را گرفته‌ایم تا در حقیقت برنامه‌ای روزآمد، کارآمد، بومی و اسلامی مبتنی بر ارزش‌ها تدوین کنیم؛ برنامه‌ای که من فکر می‌کنم تمام اساتید رشته تاریخ قبول داشته باشند و ما را به نمایندگی خودشان پذیرفته باشند. من فکر می‌کنم هیچ مشکلی وجود نداشته باشد. منتهی نمی‌توانم بگویم که صددرصد تمام رشته‌ها یکسان عمل می‌کنند، شاید برخی رشته‌ها از نظر فنی دقت لازم را نکرده باشند اما فکر می‌کنم با دقتی که رئیس شورا و نظارتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد، این کار خوب پیش برود. شورای تحول در واقع متشکل از اساتید و کارشناسان حوزه و دانشگاه است که دقت زیادی در این خصوص دارند تا برنامه‌های خوبی تصویب شود و اگر برنامه‌ای نقضی داشته باشد، از حیث آن چهارگانه‌هایی که مطرح کردم،

ارجاع می‌دهند تا اصلاح شود و این شاخص‌های در نظر گرفته شده باید در تمام رشته‌ها پیاده شوند.

تاکنون در کارگروه تاریخ چه اقداماتی صورت گرفته و این اقدامات مربوط به کدام مقطع در دانشگاه‌ها می‌شود؟

آیین‌وند: ما، در تمام مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا مشغول فعالیت هستیم. اما اکنون در پنج رشته تاریخ تمدن، تاریخ اسلام، تاریخ ایران و تاریخ جهان در حال تدوین هستیم. در حقیقت تلاش می‌کنیم تا رشته‌های جامعی باشند و همین روند را در کارشناسی‌ارشد و دکترا نیز پیاده خواهیم کرد. با تمام کارشناسان حوزه تاریخ در ارتباطیم، از تمام دانشگاه‌ها نمایندگانی را دعوت، نشست‌ها و سمینارهای خاصی نیز برگزار کرده‌ایم. برنامه‌ای که ما الآن تدوین می‌کنیم با مشورت کارشناسان و متخصصان این امر در انجمن‌ها، گروه‌ها و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، به همین خاطر فکر می‌کنم که تحول خاصی صورت گرفته چرا که این برنامه هم روزآمد است و هم کارآمد، بومی شده و ارزش‌های اسلامی هم در آن دیده شده یعنی اسلامی نیز شده است. چیزی که دانشجو احساس می‌کند باید بیاموزد و استاد هم باید خودش را آماده کند. البته یک قسمت کار برنامه‌ریزی است. قسمت دیگر این است که باید کتاب و نشریاتی تهیه شود که باید تلاش کنیم در این بخش نیز تحول یابیم. یک بخش هم آموزش اساتید است که باید با رشته جدید منطبق شوند.

ما باید کاری انجام دهیم که استادان ورزیده بتوانند این برنامه‌ها را در دانشگاه‌ها اجرا کنند. بخش دیگر، پایان‌نامه‌هاست که باید جهت داده شوند و منطبق باشند در راستای این برنامه‌ها. در واقع، این کارهایی است که باید در تکمیل برنامه تحول در این رشته صورت گیرد که در دستور کار ما قرار دارد.

به اعتقاد شما این برنامه تا چه اندازه قابلیت اجرا دارد؟

آیین‌وند: به هر صورت من خودم از ابتدای انقلاب چند باری در برنامه‌ریزی تاریخ بوده‌ام. فکر می‌کنم این برنامه خیلی جامع، کارآمد و متحول‌کننده است. این برنامه‌ها عرضه می‌شود به کارگروه می‌رود. بعد از تصویب به شورای تحول و بعد از آن به وزارت علوم فرستاده می‌شود در آنجا هم کارشناسان نظر می‌دهند و سپس از طریق وزارت علوم به دانشگاه‌ها اعلام می‌شود. یکسال به صورت آزمایشی اجرا می‌شود تا اساتید و محققان نظرشان را اعلام کنند و بعد اگر اصلاحی لازم باشد، انجام می‌گیرد. مطمئناً این برنامه دوام و استمرار دارد تا در درازمدت به نتیجه برسیم.

مشخص است که از چه زمانی این تغییرات اعمال می‌شود؟

آیین‌وند: بستگی به رشته دارد، تا آنجایی که من اطلاع دارم چند رشته اعلام شده است، رشته‌های علوم سیاسی و روان‌شناسی. رشته‌های مطالعات زنان و مدیریت هم آماده است که عرضه شود. از مهرماه ۹۳ شروع می‌شود تا سال ۹۴ و بعد ارزیابی می‌شود و بعد انشاءالله در مهر ۹۴ برای اصلاح به شورا برمی‌گردد. فکر می‌کنم این زمان لازم است تا اساتید نظراتشان را بگویند و کار برای اجرای درازمدت ارزیابی و اصلاح شود.

آقای دکتر به اعتقاد شما چه ضرورتی در تشکیل شورای تحول در علوم انسانی وجود دارد؟

آیین‌وند: وقتی مسئله اسلامی شدن دانشگاه‌ها مطرح شد، به این نتیجه رسیدند که چیزی را که مطرح می‌کنند، باید عملاً انجام دهند یعنی اگر مطرح می‌کنند که نواقصی در برنامه‌ریزی‌ها و متون هست و دروس با مبانی ارزشی ما سازگار نیست و منطبق با نیاز کشور هم نیست، در نتیجه باید کاری انجام دهند. بنابراین، شورای تحول تشکیل شد تا توسط

آقای دکتر برخی از منتقدان عنوان می‌کنند که شورای تحول علوم انسانی تاکنون عملکرد مطلوبی در حوزه تحول علوم انسانی ارائه نداده است، پاسخ شما به این اظهارات چیست؟

آیین‌ه‌وند: ببینید، ما از ابتدای انقلاب این حرکت اسلامی سازی و تحول را شروع کرده‌ایم، اما این بار کار جدی‌تر است. بعد از تأکید مقام معظم رهبری که شورای عالی انقلاب فرهنگی عهده‌دار این امر شد و آقای دکتر حداد نیز این مسئولیت را پذیرفتند، خیلی جدی‌تر و جامع‌تر وارد شدیم. گذشته از آنکه از ثمره کارهای گذشته نیز استفاده کرده‌ایم. اقداماتی که آن زمان صورت می‌گرفت بخش اسلامی سازی را مدنظر داشته است، اما این بار همان طور که گفتم جامع‌تر وارد شده‌ایم. این بار مشارکت دانشگاهیان مدنظر قرار گرفته است و شورای عالی انقلاب فرهنگی منسجم و با وحدت کار می‌کند.

در حقیقت برنامه برای دانشگاهیان نوشته می‌شود که احساس کنند هم در آن تحول هستند، هم از آن‌ها استفاده شده و هم این امر چیزی نیست که بر جنبه خاصی تأکید و جنبه‌های دیگر را فراموش کند. در واقع، جامعیت مدنظر است، کارآمدی، روزآمدی، مبتنی بر ارزش‌ها بودن و بومی سازی همه با هم دیده شده و شورای تحول تلاش کرده بهترین مرحله از بومی سازی و اسلامی سازی را انجام دهد. البته، خود دانشگاهیان نیز در تصویب و تبیین برنامه‌ها شرکت کرده‌اند و نمایندگان دانشگاه‌ها در جلسات شرکت می‌کنند و بعد از تصویب هم نظرات اصلاحی کسب و اعمال می‌گردد. در حقیقت، چیزی نیست که نوشته شده باشد و به آن‌ها تحمیل شود و افکار تنگ نظرانه و یا تحمیل افکار خاصی هم در نظر گرفته نشده بلکه تکنیکی، فنی و ارزشی به رشته‌ها نگاه شده است. البته، ممکن است این امر در تمام رشته‌ها یکسان نباشد و نگاه خود افرادی که متولی هستند هم گاهی اعمال شود، اما تمام تلاش شورا این است که وحدت و انسجام ایجاد کند ممکن است برخی رشته‌ها به اصلاحات بیش‌تری نیاز داشته باشند و برخی کم‌تر که این بستگی به نحوه تبیینشان دارد.

به هر صورت فکر می‌کنم تحول خوبی ایجاد شود، اگر همکاری دانشگاه‌ها صورت گیرد و رشته‌هایی هم که نیاز به اصلاح دارند اصلاح کنیم اما دانشگاه را باید به این نکته توجه داد که این برنامه، برنامه خودشان است و تنها با همت و همکاری خودشان صورت می‌گیرد. کمک دانشگاهیان را نیاز داریم و از آنجا که وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی منسجم هستند، فکر می‌کنم می‌توانیم به نتیجه برسیم.

کارشناسان، این کار در قالب چهارده، پانزده گروه عملیاتی شود. در واقع هدف و ضرورت تشکیل شورا این بود.

برای دستیابی به این تحول چه راهی را در پیش داریم و چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

آیین‌ه‌وند: باید رشته‌ها روزآمد شود، یعنی درس‌های جدید منطبق با نیاز علمی کشور و منطبق با تحول و پیشرفت در جهان ارائه شود و مبانی و ارزش‌هایمان نیز مورد توجه باشند. وقتی این درس‌ها در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، دانشجوی ما احساس کند بهترین مواد و واحدها را می‌گذراند، بهترین کتاب‌ها را می‌خواند، از بهترین اساتید استفاده می‌کند و در نتیجه ما می‌توانیم بهترین پایان‌نامه‌ها را نیز داشته باشیم. از طرفی در جهان هم احساس شود که ما رشد داشته‌ایم و روزآمد هستیم. مطمئناً توجه به این ویژگی‌ها می‌تواند کمک کننده باشد.

با توجه به ویژگی‌های رشته تاریخ برای کارآمدی آن چه اقداماتی صورت گرفته است؟

آیین‌ه‌وند: ما تلاش کرده‌ایم دانشجویان را به سمتی ببریم که با کارشناسان بازاریابی کارورزی داشته باشند، که البته باید این کارورزی مهارتی، عملیاتی و منطبق با نیاز کشور باشد تا برای این‌ها شغل تعریف و ایجاد شود تا همه ارگان‌ها و نهادهایی که می‌توانند از رشته تاریخ استفاده کنند، از این امر مطلع باشند و بتوانند این افراد را استخدام کنند. در واقع، ما نیامده‌ایم چیزی بنویسیم که برای دانشجو کارآمد نباشد، بنابراین این نکات را هم در نظر گرفته‌ایم؛ مهارت‌آفرینی، شغل‌آفرینی، انطباق با نیاز و بومی سازی. آینده دانشجویان این رشته هم باید سرآمد باشد و هم کارآمد تا هم شغل ایجاد کند و هم منطبق با نیاز جامعه باشد.

در خصوص وحدت حوزه و دانشگاه در دستیابی به این تحول چه نظری دارید؟

آیین‌ه‌وند: خوب، واقعیت این است که در حال حاضر در شورای تحول برخی از کارشناسان حوزه حضور دارند که در دستیابی به این تحول کمک می‌کنند. در واقع، نظرات آن‌ها اعمال می‌شود و در اسلامی سازی هم از آن‌ها یاری می‌جوییم. وحدت در بخش اسلامی سازی و منطبق بودن با مبانی ارزش‌های اسلامی است و دانشگاهیان هم سعی می‌کنند کارآمدسازی و بومی سازی را سرلوحه خود قرار دهند.

راهکارهایی برای نجات سازمان میراث فرهنگی

دکتر کامیار عبدی
باستان‌شناس

یافت، تا زمانی که وارد گود شویم و از نزدیک وضعیت را بررسی و ارزیابی و برای بهبود آن فکری کنیم. سیستم باستان‌شناسی ایران را می‌توان به سه بخش اداری (اجرایی)، پژوهشی و آموزشی تقسیم کرد که وضعیت هر یک از نگاه اینجانب به قرار زیر است.

بخش پژوهشی: بخش پژوهشی سازمان میراث فرهنگی را «پژوهشگاه میراث فرهنگی» تشکیل می‌دهد. این پژوهشگاه از پنج پژوهشگاه تشکیل شده است: پژوهشگاه‌های باستان‌شناسی،

اغراق نخواهد بود اگر بگوییم «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» از جمله نهادهایی بود که طی دولت نهم و دهم متحمل بیشترین آسیب‌ها شد. اما هدف من در این نوشته ارائه چند پیشنهاد و راهکار کلی به دولت یازدهم است، تا بتواند این جسد را جانی دوباره بخشد و به کار بازگرداند یا به کل آن را منحل و با تشکیل نهادی دیگر، آنچه را از میراث فرهنگی ایران و حیثیت آن باقی مانده از نابودی کامل نجات دهد. طبیعتاً، این پیشنهادها جنبه کلی‌نگرانه‌ای دارد و نمی‌توان به عمق مشکلات پی‌برد و راهکاری منطقی و اصولی برای اصلاح آن

مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و متون، حفاظت و مرمت و ابنیه و بافت. پژوهشگاه میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۰ و زمان ریاست سیدمحمد بهشتی تشکیل شد تا طراحی و اجرای پژوهش در حوزه‌های زیرمجموعه خود را به‌طور مستقل و فارغ از دست‌اندا‌زهای اداری انجام دهد. پژوهشگاه زمانی نشریه‌ای داشت به نام «نامه پژوهشگاه» که سال‌هاست منتشر نشده است. از میان پنج پژوهشکده نیز تنها پژوهشکده‌ای که نشریه‌ای دارد و گهگاه گردهمایی پژوهشی برگزار می‌کند، پژوهشکده باستان‌شناسی است. دیگر پژوهشکده‌ها نه نشریه تخصصی دارند و نه کار پژوهشی چندانی انجام می‌دهند و اگر هم انجام دهند، خبری از آن در جایی منتشر نمی‌شود و اگر هم منتشر شود، بازتاب چندانی نمی‌یابد. پژوهشگاه هنوز نشریه قدیمی خود به نام «اثر» را که یادگار سال‌های پیش از تأسیس سازمان میراث فرهنگی و حاصل ابتکار شادروان باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی بود، منتشر می‌کند. اما این نشریه، که بیش از ۳۰ سال از آغاز انتشار آن می‌گذرد، به‌شدت نیاز به روز آمد شدن دارد تا شکلی امروزی‌تر به خود گیرد.

اصلاحات لازم در بخش پژوهشی: پژوهشگاه میراث فرهنگی در وهله اول نیازمند مدیری است قابل و توانا، مسلط به امکانات بالقوه در میراث فرهنگی ایران که اولاً خود، به‌سان چشمه‌ای جوشان ایده‌های پژوهشی ارائه دهد و به نتیجه مطلوب برساند و ثانیاً با انتصاب افراد صالح، سالم و کارآمد و گوشزد به آنان، پژوهشکده‌های زیر نظر خود را از رخنه‌ای که سال‌هاست در آن فرورفته‌اند، بیرون آورد. پژوهشگاه نیاز به شورایی پژوهشی - متشکل از رئیس پژوهشگاه و مدیران پژوهشکده‌ها- دارد تا ابتدا پرسش‌های پژوهشی مناسب را شناسایی و سپس برای پاسخ به آنها برنامه‌ریزی لازم به عمل آورد.

نشریه پژوهشگاه لازم است احیا شود و با ظاهر و زبانی مردم‌پسند، اهم فعالیت‌های پژوهشی پژوهشگاه را به اطلاع عموم برساند. علاوه بر این، هر پژوهشگاه موظف است نشریه‌ای تخصصی برای خود داشته باشد تا نتایج پژوهش‌های پژوهشگران آن را منتشر کند. تصمیم‌گیری درباره حجم، قطع، و فاصله انتشار این نشریات بر عهده شورای پژوهشی هر پژوهشکده خواهد بود. در عین حال، از هر پژوهشکده انتظار می‌رود هر سال حداقل یک گردهمایی عمده برگزار و نتایج آن را منتشر کند. پژوهشگران هر پژوهشکده نیز موظفند در طول هر فصل در زمینه نتایج فعالیت‌های خود برای اعضای پژوهشکده متبوع و دیگر علاقه‌مندان سخنرانی کنند. پژوهشگاه موظف است با تأسیس بخش مجزایی برای انتشارات، هم در زمینه انتشارات تخصصی (نشریات، کتاب، مجموعه مقالات، گزارش‌ها، و تک‌نگارهای) و هم انتشارات برای عامه مردم، در زمینه‌های مختلف میراث فرهنگی بار مهم و سنگینی از انتقال دانش ما درباره میراث فرهنگی را هم به متخصصان و هم به مردم - که عطش سیری‌ناپذیری برای آموختن در این زمینه‌ها دارند- انجام دهد.

بخش اداری- اجرایی: بخش اداری- اجرایی سازمان گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که بتوان در اینجا به جزئیات آن و مشکلات همه قسمت‌هایش پرداخت و در اینجا راهکارهایی که برای احیای این بخش به نظر می‌آید، مطرح می‌شود.

بازسازی و بهسازی: یکی از اقدامات مهم در جهت بازگرداندن نظم به سازمان میراث فرهنگی، بازسازی و حتی بهسازی نظم و ترتیب

سیستم‌های اداری- اجرایی- پژوهشی آن است. برای این کار بهتر است به جای استفاده از مدل‌های تجریدی مثالی ملموس بیاورم: گردانندگان سازمان در سال‌های دولت‌های نهم و دهم مدام از گسترش گردشگری دم می‌زدند و حتی هزینه هنگفتی از بودجه سازمان را به تبلیغ گردشگری اختصاص دادند. قول و قرار برای احداث سرویس‌های بهداشتی در تمام راه‌های کشور و هتل‌های هفت‌ستاره (!) در نقاط گوناگون را هنوز فراموش نکرده‌ایم. وعده دیگری که هیچ‌گاه عملی نشد احداث پارک- موزه و تبدیل شماری از محوطه‌های باستانی به مجموعه‌های گردشگری بود. اکنون، پس از چندین سال، می‌بینیم نه تنها این امر عملی نشده، حتی محوطه‌های باستانی مهم ما که سال‌های سال پذیرای گردشگران فراوان و محل درآمد چشمگیری برای دولت بودند، به چراگاه گله‌های گوسفند و بز (مجموعه فیروزآباد) یا زباله‌دانی (شوش)، بدل شده‌اند. اکنون که دولت با کسر بودجه هنگفتی روبه‌روست، سازمان میراث فرهنگی می‌تواند منبعی، ولو کوچک، جهت درآمدزایی برای دولت باشد. روند کار به این شرح است: فعالیت‌های باستان‌شناختی، فعالیت‌های مرمتی و فعالیت‌های گردشگری. اول، باستان‌شناسان در یک محوطه باستانی حاضر می‌شوند و به کاوش در آن می‌پردازند. دوم، پس از پایان کاوش، در حالی که باستان‌شناسان مشغول تهیه گزارش تخصصی برای جامعه علمی و ساده برای عامه مردم هستند، مرمتگران وارد کار می‌شوند و محوطه را مرمت و قابل عرضه می‌کنند. سوم، محوطه به کارشناسان گردشگری تحویل داده می‌شود تا با ایجاد مسیرهای بازدید، تابلوهای راهنما، و اطلاع‌رسانی به شیوه‌های گوناگون محل را برای بازدید عموم آماده می‌کنند. در همین حال، بروشور اطلاعاتی محوطه که به دست باستان‌شناسان آماده شده، منتشر و به هنگام خرید بلیت به بازدیدکنندگان تحویل داده می‌شود. در کنار اینها، اگر دولت به سمتی پیش رود که روابط بهتری را با دیگر کشورهای جهان ایجاد کند و ذهنیت «تمام خارجی‌ان جاسوس هستند» را که در دولت‌های نهم و دهم بر سازمان حاکم بود، به کناری نهد، پای گردشگران فرهنگی خارجی به ایران باز می‌شود، مبحث اشتغال و درآمدزایی به نحو چشمگیری تقویت می‌شوند و در کنار گردشگری، انواع و اقسام حرف از هتلداری و راهنمایی تور گرفته تا رستوران و سوغات فروشی و مسافربری (تاکسی، مینی‌بوس و اتوبوس) گسترش می‌یابد.

بخش آموزشی: در اینجا به این بسنده می‌کنیم که در سال‌های اخیر، از رهگذر سیاست‌هایی مدیرانی که بیشتر به کمیّت فکر می‌کردند تا کیفیت و دانشگاه را با تجارتخانه اشتباه گرفته بودند، بخش آموزشی باستان‌شناسی گسترشی باکتری‌وار داشته است. امروز ما نزدیک به ۲۰۰ دکترای باستان‌شناسی داریم که اکثریت آنان بیکارند. در مورد لیسانسه‌ها و فوق‌لیسانسه‌ها تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. دانشگاه‌ها مدام در حال بیرون دادن فارغ‌التحصیلان باستان‌شناسی هستند، بدون اینکه سازمان میراث فرهنگی جایی برای جذب حتی بخش کوچکی از آنها داشته باشد. بررسی وضعیت بخش آموزشی باستان‌شناسی نیاز به پژوهشی گسترده و عمیق دارد که باید آن را به نوشته‌ای دیگر وا گذاشت.

تأملی درباره «بحران آب و فرهنگ ایران» آزمونی برای خرد جمعی ما

دکتر علی اصغر مصلح
رییس پژوهشکده فرهنگ معاصر

۱. در فرهنگ ایرانی «آب» سرآغاز حیات است. تنها در فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌ها نیست که آب در آغاز قرار گرفته است؛ ایرانیان در طول تاریخ، به اقتضای زیستن در این سرزمین کم آب، با تمام وجود آب را اساس زندگی یافته‌اند. «کتاب کوچه» احمد شاملو با مدخل آب شروع می‌شود و بخوبی نقش آب را در فکر و فرهنگ ایرانی شرح می‌دهد؛ از نقش آب در شکل‌گیری افسانه‌ها و اعتقادات، تا قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اشعار و دعاها و نذر و نیازها که همه بر اساس آب است. در بزرگ‌ترین ماتم تاریخی که ایرانیان بر آن گریسته‌اند، یعنی کربلا و عاشورای امام حسین(ع)، آب نقشی اساسی دارد.

ایرانیان با تجربه زیست در سرزمین کم آب ایران، بزرگ‌ترین فجایع زندگی را در پیوند با کمبود آب تصور کرده‌اند؛ حتی جهنم با گرما و کم‌آبی‌اش، موجب ترس مردم بوده و بهشت با باغ‌هایی که جوی‌های پرآب دارد، پاداشی برای مؤمنان بوده است. احتمالاً کمتر قومی مانند ایرانیان این آیه قرآن را درک کرده باشند که «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء ۳۰) ذهن ایرانیان به اقتضای زیست در این سرزمین، این آیه را به وجوهی تمام‌تر درک کرده است. به همین جهت ایرانیان آب و آبادانی و زندگی را همیشه قرین هم تصور کرده‌اند. میراث غنی ادب و هنر ایرانی حاصل تخیلات ظریف ذهن ایرانی در همین سرزمین خشک و کم آب بوده است. تمامی عناصر ادب و هنر فارسی، از تصویر باغ و گل تا توصیف نسیم و جویبار و ماه و ستاره و دریا و باران، نسبتی با زمین کم آب و آسمان پرستاره ایران دارد.

تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران پیوندی بنیادی با وضع آب داشته است. مورخ و پژوهشگر معاصر، همایون کاتوزیان در کتاب‌های مختلف خود درباره تاریخ ایران، وضع «آب» را در ایران مهم‌ترین عامل شکل‌گیری مناسبات سیاسی و اجتماعی می‌داند. «نظریه جامعه کوتاه مدت» وی به وضع کم آبی و وابستگی همه امور ایرانیان به آب باز می‌گردد. مهندس بازرگان هم در کتابچه «سازگاری ایرانی»، نقش آب در روحيات و اخلاق ایرانیان را شرح می‌دهد. پژوهش‌های طولانی ده‌ها مردم‌شناس ایرانی و غیر ایرانی نسبت وثیق اجزای این فرهنگ با آب و شرایط این سرزمین خشک را ثابت می‌کند. ایرانیان در طول تاریخ با خودآگاهی نسبت به وضع اقلیم خود و با درک

واقعیت کم آبی، راه‌های کنار آمدن با این مشکل را یافته بودند. هم قنات را ابداع کردند و هم با ذکر فجایع کم آبی، سازگار و قانع و صرفه‌جو زندگی می‌کردند و هم هنگام بحران، نماز استسقاء می‌خواندند. می‌توان نحوه کنار آمدن مردم ایران با شرایط این سرزمین خشک و در عین حال تأسیس و تداوم یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های جهانی را نمودی از خرد جمعی این قوم در طول تاریخ دانست.

۲. با ورود آثار و مظاهر تمدن و فرهنگ مدرن در ایران، تصور از نسبت این فرهنگ با آب به تدریج دگرگون شد. تصویری که از قدرت علم و صنعت و تدبیر و توسعه پدید آمده بود، تصور از آب و این سرزمین را دگرگون ساخت. سال‌ها است نسبتی را که آب و اجدادمان با این زمین و آسمان داشته‌اند، از دست داده‌ایم. همراه با گسترش کلانشهرها در درون ساختمان‌های آهنی و بتونی و میان انبوه کارخانه‌ها و صنایعی که ساخت آنها به قیمت تغییر اساسی طبیعت بوده، زندگی می‌کنیم و دیگر به این سرزمین با وسواس و اضطراب نمی‌نگریم. اطمینان به تلمبه و سدسازی و صنایع جدید، جای اضطراب زیستن در این سرزمین خشک را گرفته است. امروز پس از آغاز چندین دهه شیوه جدید زندگی، ما مانده‌ایم و بحران کم آبی در سرزمینی که طبیعت آن در خطر نابودی است. با وجود استفاده از شیوه‌های مدرن مقابله با کم آبی، بحران در حالت پیشرفت است. گزارش‌های متخصصان درباره وضع آب‌های جاری و کاهش آب‌های زیرزمینی و خشک شدن دریاچه‌ها خبر از وقوع فاجعه در آینده این سرزمین می‌دهد. اگر این وضع ادامه پیدا کند، بسیاری از شهرهای ایران متروکه خواهد شد و کلیت زندگی مردم این سرزمین در خطر قرار می‌گیرد.

۳. خطر خشکسالی همیشه ایران را تهدید می‌کرده و ایرانیان در گذشته با شیوه‌های خاصی که برآمده از عقل و تجربه خود آنان بود، با آن مقابله کردند و زندگی خود را ادامه داده‌اند. اما امروز با اینکه دانایی عمومی مردم بیشتر شده، همه چشم‌ها به روش‌های مدرن مقابله با بحران دوخته شده و به شیوه‌های ادامه حیات به سبک‌های کهن، ایمان و امیدی نیست.

رفتار گذشته ایرانیان در مقابل کم آبی، از سویی اتخاذ تدابیر معقول و متناسب با شرایط این سرزمین مانند ساخت قنات یا سرداب و

شیوه‌های خاص آبیاری بوده است؛ از سوی دیگر مردم به تدریج اجزا و مقومات فرهنگ خود را متناسب با شرایط این اقلیم تنظیم کرده‌اند. هم صبورانه کار و تلاش می‌کردند و هم دست به دعا بودند و از خداوند مدد می‌خواستند. به بیان دیگر ایرانیان در طول تاریخ خود، فرهنگی منسجم و متناسب با شرایط اقلیمی که در آن زندگی می‌کردند، ایجاد کردند. اما امروز نه تدبیر می‌کنیم و نه رو به آسمان داریم، نه تکنیک کافی برای رفع بحران داریم و نه انسجام فرهنگی برای ترمیم و تلطیف شرایط روحی خود. واکنش‌ها نسبت به بحران مشابه است. به محض طرح مشکل، همه به نارسایی برنامه‌ریزی و تصمیمات دولت‌ها اشاره می‌کنند و صورتی سیاسی به مسأله می‌دهند.

۴. باید به بحران آب و محیط زیست با چشمی دیگر و در مقیاسی دیگر نظر کرد. این بحران تنها بحرانی زیست‌محیطی و طبیعی نیست. بحران آب در ایران بحرانی سطحی و موقت نیست، موضوعی است که به تمامی موضوعات دیگر ربط دارد؛ به اخلاق و سیاست و دین و اقتصاد و علم و فکر و تکنیک و ادبیات و هنر هم مرتبط است. مسأله آب حتی اگر به طور موقت و با راه‌های میانه و کوتاه مدت بهبود پیدا کند، باید آن را در صدر مسائل مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کنند، دید. حتی شیوه حل مشکل تأثیری کلی در فکر و فرهنگ و اخلاق مردم دارد.

با فرض اینکه با تکنیک‌های پیچیده و محاسبات علمی، آب خلیج فارس یا دریای مازندران به سمت سرزمین‌های مرکزی ایران کشیده شود و وضع کم آبی رفع شود، ایمان مردم به علم و عقل مدرن افزایش پیدا می‌کند، چون با چنین اتفاقی تصور مردم از رفتارشان در طول تاریخ دگرگون خواهد شد؛ این دگرگونی سال‌هاست که آغاز شده است چون بخشی از فرهنگ ایرانی با تصور وابستگی وضع آب به آسمان و عوامل فراانسانی شکل گرفته است. در این تصور مدت‌هاست که خلل افتاده و آثار و تبعات فرهنگی آن هم نمایان شده است.

۵. انسان مدرن بیش از دو قرن پیش شیوه رفتار جدیدی با طبیعت در پیش گرفته و برای افزایش قدرت خود، با تکیه بر علم و تکنولوژی جان و شیره طبیعت را گرفته است. امروز مهم‌ترین شعار اغلب کشورهای توسعه یافته در بزرگ‌ترین مجامع بین‌المللی حفظ کره زمین است، کره‌ای

که نظام آن به هم ریخته شده و دچار بحران است. ما ایرانیان نیز در پیدایش این بحران سهم داشته‌ایم. نمود رفتار بحران‌آفرین ما، سرزمینی است که از آبا و اجدادمان تحویل گرفته‌ایم و اکنون دچار بحران زیست‌محیطی است.

۶. بحران آب به عنوان مسأله‌ای جهانی وجوه مختلف دارد. یکی از وجوه این بحران که بسیار بدان پرداخته شده، مسأله همزیستی و صلح است. زندگی همه انسان‌ها به آب وابسته است. کمبود آب و نیاز به همکاری برای استفاده درست از آب، شاید در آینده انسان‌ها را بیشتر به هم نزدیک کند. هر چند عکس آن را هم به طور قاطع نمی‌توانیم رد کنیم. شاید در آینده، اگر خرد انسانی کفایت نکند دردناک‌ترین نزاع‌ها بر سر آب آغاز شود. در فضای چنین مسائل و موضوعاتی باید فعال‌تر شویم. بحران آب، خواه ناخواه، ایرانیان را به طور ملموس‌تر با چنین مسائلی درگیر خواهد کرد. در دنیای معاصر با توجه به وضع اقلیم ایران، ما ایرانیان بیش از دیگر کشورها به صلح و گفت‌وگو و همزیستی مشفقانه نیاز داریم.

۷. بحران آب و محیط زیست می‌تواند آزمونی برای خرد جمعی ایرانیان باشد چون در مواجهه با این بحران هم در متن بزرگ‌ترین مسأله

جهانی قرار می‌گیریم و هم به طور مستقیم با بزرگ‌ترین مسأله سرزمین خود درگیر می‌شویم. در این آزمون مشخص می‌شود که قوم ایرانی چقدر توان همراهی و وفاق برای رفع مشکلی ملی و جهانی دارد. برای مقابله با مشکل باید هم تجارب تاریخ خود را مرور کرده و هم به تاریخ دیگر ملت‌ها رجوع کنیم و هم نحوه استفاده از علم و تکنولوژی متناسب با فرهنگ خود را بررسی کنیم. این‌گونه کوشش‌ها می‌تواند موجب تجدید قوای یک قوم شود. درگیر شدن با بحران آب و محیط زیست ایران، اگر همه‌جانبه باشد، می‌تواند به فرهنگ ایرانی جانی دوباره بخشد. قرار گرفتن در مسیر حل این مشکل، می‌تواند از سویی موجب کاهش و کنار رفتن مسائل فرعی و فرساینده و از سوی دیگر، تلطیف و تلائم فضای زیست فرهنگ ایرانی شود.

مسأله اول مردم ایران در طول تاریخ آب بوده است. در زمان حاضر در حالی که شکل مشکل تغییر کرده، دوباره با همین مسأله در حد یک بحران روبه‌رو شده‌ایم. قالب عمومی پاسخ به این بحران در زمان ما «بازگشت به طبیعت» است. باید به طبیعت بازگردیم. بحران طبیعت بسیار جدی و فراگیر است. آینده کره زمین وابسته به

نحوه رفتار ما با آن است. شعار تغییر نسبت با طبیعت، به صورت دعوت به دوستی با طبیعت و تغییر رویه زندگی، سال‌ها است که به شعار بسیاری از افراد و گروه‌ها و جمعیت‌ها تبدیل شده است. ما ایرانیان باید به این جریان بیشتر توجه کنیم. خطرات نابودی طبیعت و قحطی آب، کشور ما را بیش از بسیاری از کشورهای دیگر تهدید می‌کند. شعار «بازگشت به طبیعت و حفظ محیط زیست» چنان قدرت و اهمیتی دارد که می‌تواند به شعار اصلی فرهنگ ایرانی تبدیل شود. این شعار و اصل می‌تواند به عنوان اصلی تنظیمی، وضع زندگی و مناسبات این فرهنگ در دیگر قلمروها را بهبود بخشد. اصل «بازگشت به طبیعت» و طرح ادبیات و مبانی نظری فلسفی و تبعات فرهنگی و اجتماعی آن، باید وجهه همت پژوهشگران و نخبگان باشد و وجوه و لوازم و نتایج این اصل مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و به تدریج وارد فرهنگ عمومی ایرانیان شود. مجموع شرایط فرهنگ ایرانی، آمادگی قرار گرفتن در چنین مسیری دارد. شرایط عمومی زندگی، بخصوص زندگی ما ایرانیان اقتضای آن را دارد که با چشمی دیگر به آب و طبیعت نگاه کنیم.

تبریک

همکار گرامی جناب آقای فرید فنونی

موفقیت شما در آزمون کارشناسی‌ارشد رشته ارتباطات دانشگاه تهران، ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون، برای شما داریم.

همکار گرامی سرکار خانم اعظم صادقیان

موفقیت شما در آزمون کارشناسی‌ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون، برای شما داریم.

همکار گرامی جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری

موفقیت شما در آزمون دکتری رشته تاریخ ایران اسلامی، ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون برای شما داریم.

همکار گرامی جناب آقای سید محمدحسین محمدی

موفقیت شما در آزمون دکتری رشته تاریخ ایران اسلامی، ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون برای شما داریم.

همکار گرامی جناب آقای ایوب نازی

موفقیت شما در آزمون دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه شهید چمران اهواز ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون برای شما داریم.

همکار گرامی جناب آقای شاهین آریامنش

موفقیت دوباره شما در آزمون کارشناسی‌ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی در دانشگاه ولایت ایرانشهر برای بار دوم و در رشته‌ای متفاوت ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون برای شما داریم. لازم به ذکر است آقای آریامنش کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی را داشتند.

همکار گرامی سرکار خانم ویدا خلعتبری

موفقیت شما در آزمون دکترای رشته فلسفه هنر دانشگاه آزاد اسلامی، ما را بسیار مسرور کرد. صمیمانه تبریک گفته و آرزوی موفقیت روزافزون، برای شما داریم.

انتصابات

دکتر صادق آیینه‌وند، رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حکمی، دکتر محمدرضا امیری طهرانی زاده را سمت سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی کاربردی منصوب کرد.

رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حکمی، دکتر مرتضی فتحی‌زاده را به سمت مدیرگروه پژوهشی فلسفه دین منصوب کرد.

دکتر صادق آیینه‌وند، رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حکمی، دکتر حمیده میرفخرایی، دکتر فاطمه جان‌احمدی، دکتر احمد صفارمقدم، دکتر علیرضا ملایی توانی، دکتر عبدالله قنبرلو، دکتر علیرضا منجمی، دکتر علیرضا شعبانلو و دکتر آیت‌الله میرزایی را به عضویت شورای انتشارات پژوهشگاه منصوب کرد.

رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، در حکمی دکتر مریم شریف نسب را به سمت سرپرست گروه پژوهشی تحقیقات میان رشته‌ای منصوب کرد.

نگاهی به کتاب تحولات قفقاز شمالی

شاهین آریامنش: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتاب تحولات قفقاز شمالی و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نوشته دکتر سیدجواد میری دانشیار پژوهشگاه را منتشر کرد.

این کتاب دربردارنده ۳ فصل با نام‌های «نگاهی بر قفقاز شمالی»، «دین و نگرش‌های دینی» و «روابط متقابل ایران و قفقاز شمالی» است. همچنین پیشگفتاری به قلم محمدحمید یزدان‌پرست و دیباچه‌ای به خامه سیدجواد میری در آغاز این کتاب دیده می‌شود.

یزدان‌پرست در پیشگفتار این کتاب به تنوع قومی، تنوع مذهبی و همچنین تنوع زبانی و اقلیمی ایران، این دیار دیرینه اشاره می‌کند که چگونه این تنوع در درازنای تاریخ هم به معرفت بشری و تبادلات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی انجامیده است و هم مشکل شیوه همزیستی مردمان را به دنبال داشته است. به گونه‌ای که اگر این وضعیت به‌آیین و هنجارمند باشد، پویایی و سرزندگی در پی دارد و اگر دستخوش هرج‌ومرج شود، به کشمکش و ستیزه می‌انجامد.

یزدان‌پرست تحرکات استقلال‌طلبانه در سرزمین‌های قفقاز همچون چین، اینگوش، آبخاز، تالش و دیگر مناطق و همچنین جریان پان‌ترکیسم و رواج وهابیت را نمونه‌هایی از مشکلات سرزمین قفقاز قلمداد می‌کند. پس‌انتر پیشنهادهای این کتاب را دلسوزانه می‌پندارد که به کار بستن آنها، دولت ایران را از گرفتاری‌های احتمالی در امان می‌دارد.

سیدجواد میری در دیباچه‌ای که بر این کتاب نگاشته است، دغدغه خویش برای نوشتن این کتاب و مطالعات قفقاز را نشأت گرفته از این می‌داند که ایرانیانی که در حوزه علوم اجتماعی فعالیت می‌کنند، کمتر به مسائل میدانی می‌پردازند که آن نیز بر موضوعات داخل ایران تمرکز دارد. بنابراین، وی به منطقه قفقاز رفته و در پژوهشی میدانی، به گردآوری اطلاعات پرداخته است.

نخستین فصل این کتاب «نگاهی بر قفقاز شمالی» نام دارد که میری نخست به معرفی منطقه قفقاز جنوبی می‌پردازد که شامل کشورهایی چون جمهوری ارمنستان، جمهوری گرجستان و جمهوری آذربایجان است. پس‌انتر وی از قفقاز شمالی سخن می‌راند که شامل اوستیای شمالی، اینگوشتیا، چین، کاباردینا - بالکاریا، کاراچای - چرکسیا، آدیغه و داغستان است. جدایی‌طلبان قفقاز که به «جبهه قفقاز» نامبردار شده‌اند، از اکتبر سال ۲۰۰۷ به فرماندهی دکا احمدویچ معروف و احمد یولان در تلاش‌اند تا سرتاسر قفقاز شمالی را زیر چتر واحدی درآورند و «امارت قفقاز» را پایه گذارند.

دکتر میری در ادامه از توسعه‌نیافتگی قفقاز شمالی سخن می‌گوید و علل آن را وضعیت تنش‌زا و همواره بحرانی قفقاز و همچنین بافت اجتماعی مسلمانان و غلبه «عادت» بر «مدنیت» و «دین» قلمداد می‌کند. مسلمانان قفقاز همواره روس‌ها را به چشم اشغالگر می‌نگردند که همین طرز اندیشه به پیکارهای بی‌شمار آنان با روس‌ها انجامیده است که نبردهای سی‌ساله «شیخ شامیل» و «بای‌سانگور»، پس از بسته‌شدن قرارداد گلستان و ترکمان‌چای، از مهم‌ترین این پیکارهاست. همچنین غلبه عادت بر مدنیت و دین، به نوعی به «انجماد در دالان زمان» برای این مردم انجامید و سیاست‌های استعماری روسیه پیوندهای فرهنگی این مناطق را با ایران و ترکیه قطع کرد. حکومت روسیه افزون بر پاک‌کردن دین از عرصه همگانی جامعه، با تیشه به دنبال ریشه‌های فرهنگی این مناطق که همانا زبان ادبی فارسی، ترکی و عربی بود، پرداخت و هستی و هویت تاریخی مردم این مناطق را زدود و آنان را

دچار مسخ فرهنگی کرد. میری ریشه فقر اقتصادی این مناطق را در مسخ فرهنگی آنان می‌بیند که به گونه‌ای سامان‌مند در درازنای ۱۵۰ سال گذشته بر این مردم وارد شده است و در هیچ‌کدام از سه دوره حکومتی «تزاری»، «کمونیسم» و «پساکمونیسم» تغییری ماهوی در طرز اندیشه سردمداران کرملین نسبت به مسلمانان ایجاد نشده است.

نویسنده در ادامه از «امارت قفقاز» سخن می‌گوید که نامی است که مبارزان مسلمان قفقاز شمالی به سرزمین خود داده‌اند. این امارت از استان یا ولایت‌های نوخچی، قالدایچو، چرکسیا، داغستان، کاباردا - بالکا، کاراچای و نوعای تشکیل شده است. برخی بر این باورند که مرزهای راستین امارت قفقاز همه سرزمین‌های اشغالی میان دریای سیاه و دریای خزر توسط روسیه در سده ۱۹ میلادی است. با این همه، پرسشی که به میان می‌آید این است که مبارزان قفقاز شمالی از پیشینه و هویت تاریخی مردمان قفقاز، پیش از ایرانی‌زدایی توسط روس‌ها چه اندازه می‌دانند؟ پژوهش‌های میدانی بیانگر این است که میزان اطلاعات تاریخی این مردم بسیار ناچیز است و به دلیل روسی‌شدن زبان ادبی این مناطق و دسترسی‌نداشتن به جستارهای فارسی، عربی و ترکی، هویت بازسازی‌شده در این مناطق، تصویر مخدوشی دارد که بر اساس دید تاریخی روس‌ها تبیین شده است. این کاستی و ناچیز بودن اطلاعات تاریخی آنان، می‌تواند پی‌آمدهای خطرناک سیاسی و نظامی شدیدی برای آینده این منطقه به همراه داشته باشد.

فصل دوم این کتاب «دین و نگرش‌های دینی» نام دارد. سه دین یهود، مسیحیت و اسلام در قفقاز، پیروانی دارند که البته اسلام در اکثریت است. مسیحیان بیشتر در اوستیای شمالی ساکن‌اند و یهودیان در جمهوری داغستان. هر دو شاخه تسنن و تشیع در قفقاز پیروان بسیاری دارند. شیعیان در داغستان به ویژه دربند، ماخاچ‌قلعه و در امتداد کرانه‌های دریای کاسپی حضور پررنگی دارند و از دید قومی و زبانی به ترکان آذری متعلق‌اند. اهل تسنن نیز بیشتر در میان اقوام چین، اینگوش، آسی، آوار، لزگی و چرکسی هستند.

دکتر میری به پررنگ بودن تصوف و نحله‌های صوفیه به ویژه نقشبندیه و قادریه که خاستگاهشان گیلان و بخارا بوده، در قفقاز اشاره می‌کند که به گونه‌ای بسیار ظریف، ارتباط این مناطق را به صورت باطنی با مردم ایران حفظ کرده است. نویسنده همچنین در ادامه بسیار بلندبالا از طریقت نقشبندیه و قادریه در قفقاز سخن می‌گوید.

فصل سوم این کتاب «روابط متقابل ایران و قفقاز شمالی» نام دارد که در آغاز به معرفی شیوخ سرشناس طریقت‌های موجود در قفقاز می‌پردازد و سپس از تاریخ جنگ‌های میان روسیه و ایران و همچنین مقابله حکومت کمونیستی روسیه با اسلام و کشتار علما و شاعران و نویسندگان در قفقاز سخن به میان می‌آید. خشونت که باعث می‌شد تا بسیاری از مردم کتاب‌های خانوادگی خود را که به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی بود پنهان کنند، که برخی از کتاب‌ها با ترفندهای ویژه‌ای در مدت بیش از هفتاد سال در زیر خاک پنهان شده بودند و امروزه از آنها در کتابخانه استفاده می‌شود.

در ادامه از نقش ایران در گسترش مذهب، حضور فرهنگی ایران در قفقاز شمالی، جدایی قفقاز شمالی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سخن به میان می‌آید. در پایان کتاب، تصاویر رنگی از مردمان مناطق مختلف قفقاز، اماکن مذهبی و ... آمده است که بسیار درخور و ارزنده است.

این کتاب که در ۵۰۰ نسخه و به بهای ۸۵۰۰ تومان منتشر شده منبع بسیار ارزنده و مهمی برای علاقه‌مندان به مطالعات قفقاز است چرا که اطلاعات بسیار مهمی از آداب و رسوم، فرهنگ و تاریخ مردمان این سرزمین در اختیار خواننده می‌گذارد.

درآمدی درباره تفسیر آماری

معرفی کتاب غرائب القرآن و رغائب الفرقان (تفسیر نیشابوری)

دکتر ابراهیم دیباجی: یکی از مجموعه‌های سودمند کتابخانه مرکزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مجموعه‌ای است که در آن تفسیر طبری و تفسیر نیشابوری به سال ۱۳۰۶ هجری قمری در مطبعه حلبی مصر در ۱۶ جلد به چاپ رسیده است: تفسیر طبری در متن و تفسیر نیشابوری در حاشیه است.

تفسیر طبری، به اعتبار شهرت مؤلف در تفسیر و تاریخ و علوم و فنون، دیگر نیاز چندانی به معرفی ندارد، ولیکن تفسیر نیشابوری در شهرت هم‌پایه تفسیر طبری نبوده و شاید برخی از مشتاقان تفاسیر قرآن کریم از آن آگاهی کاملی ندارند. از آنجاکه این تفسیر دارای ویژگی‌هایی است که به آن‌ها کمتر توجه شده، مناسب می‌نماید شماری از آن ویژگی‌ها تبیین و توضیح شود، بدین رو، نخست گزارش کوتاهی درباره مؤلف و چگونگی نگارش تفسیرش یاد می‌کنیم و پس از آن نمونه‌هایی از ویژگی‌های تفسیر را نشان می‌دهیم.

مؤلف؛ نظام‌الدین اعرج نیشابوری است. نظام‌الدین، حسن بن محمد بن حسین معروف به «نظام‌الدین اعرج نیشابوری» از ریاضیدانان و منجمان و ادیبان و مفسران و عارفانی است که با داشتن آثاری معتبر و مهم و آگاهی به علوم و فنون گوناگون، زندگینامه او به‌خوبی روشن نشده و در منبع‌های تاریخی و تذکره‌ها و زندگینامه‌ها، گزارش روشنی درباره او نگارش نیافته است؛ حاجی خلیفه در شناساندن آثار او، از تاریخ تولد و درگذشت او یادی نکرده است. ابن یوسف شیرازی در پانویست شماره یک صفحه ۳۵۰ جلد دوم «فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار جدید» (شهید مطهری)، نوشته: زندگینامه او را تنها کتاب «روضات» خوانساری آورده و در همین صفحه یاد کرده که نظام اعرج از شاگردان قطب‌الدین شیرازی (محمود بن مسعود، متوفی ۷۱۱ هـ) بوده و به دستور او کتاب تفسیر التحریر را که حاشیه بر تحریر مجسطی نصیرالدین توسی است، ساخته و پرداخته است. ابن یوسف افزوده: نظام‌الدین تفسیر غرائب القرآن را که مشهور به تفسیر نیشابوری و از مشاهیر تفاسیر است به سال ۷۲۸ تألیف کرده و به سال ۷۱۱ هجری کتاب توضیح التذکره را در شرح تذکره خواجه نصیر نگارش داده است. مؤلف «روضات» نوشته که نظام‌الدین کتابی به نام لب التأویل

نظیر تأویلات عبدالرزاق کاشانی و رساله‌ای در علم حساب و کتابی در وقوف قرآن، نظیر «وقوف سجاوندی» نیز تألیف کرده است. ابن یوسف بیان می‌کند بنا بر تاریخ‌های یاد شده، نظام‌الدین اعرج از دانشمندان قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بوده و اینکه مؤلف روضات او را از دانشمندان آغاز سده نهم هجری و معاصر میر سید شریف و جلال‌الدین دوانی دانسته، از حقیقت به دور است؛ و به‌طوری‌که در آخر جلد سوم تفسیر غرائب القرآن خود تصریح کرده، وی به سال ۷۲۸ هجری تألیف آن را به انجام رسانده و اینکه روضات تألیف آن را به سال ۸۵۰ هجری یاد نموده، با تاریخ‌های پیشین مناسبت ندارد. آنچه ابن یوسف آورده با تاریخ درگذشت او به سال ۹۰۰ هجری که در اعلام فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۱۲۹، آمده، درست نیاید، زیرا از زمان شاگردی او در خدمت قطب شیرازی درگذشته ۷۱۱ هجری و درگذشت نظام به سال ۹۰۰ هجری، نزدیک به دو سده طول کشیده و دو سده عمر برای آدمیان در آن روزگاران به‌ندرت گزارش شده است!

شماری دیگر از آثار مؤلف عبارت است از: شرح شافیه ابن حجاب معروف به شرح نظام و شرحی بر کتاب‌های زیج (معین، همان).

تفسیر نیشابوری

حاجی خلیفه در توصیف تفسیر نیشابوری آورده: مؤلف خود درباره سبک و شیوه نگارش این تفسیر گزارشی در آغاز و انجام آن آورده است (کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۵۰) گزیده‌ای از گزارش مؤلف که در پایان تألیف ذکر کرده، چنین است: این تفسیر محصولی است از آنچه در تفسیر کبیر امام فخر رازی و بسیاری از تفسیرهای دیگر است، مهم‌ترین مطالب کشف زمخشری و نکته‌های غریب و عجیب و مهمی که در تفسیرهای دیگر یاد نشده و حدیث‌هایی که در کتاب‌های معتبر حدیث درباره قرآن آمده و مطالبی مربوط به وقوف سجاوندی و اسباب نزول آیات مذکور در آثار معتبر و احکام موجود در شرح الوجیز امام رافعی و تأویل‌های یاد شده نجم‌الدین دایه با توجه به اصول و مبانی اهل سنت و جماعت و چگونگی استناد به قرآن در اثبات اصول و فروع بدون تعصب‌ورزی و بیان پاره‌ای از وجوه اعجاز و ویژگی‌های بسیاری دیگر را بیان کرده است.

مؤلف افزون بر آنچه در پایان آورده، در آغاز تفسیر گزارشی از ویژگی‌های تفسیر و ترتیب آن را توصیف کرده و یازده مقدمه در راستای آشنایی بیشتر با تألیف خود نگارش داده است که بدین ترتیب است: ۱. مقدمه نخستین در فضیلت قرآن و قرائت آن، ۲. در استعاذه، ۳. در قضایا و مسائل مهم، ۴. کیفیت گردآوری قرآن، ۵. معانی مصحف و قرآن، ۶. ذکر سبع طوال، ۷. مواردی از اختلاف‌های حروفی در آن، ۸. در اقسام وقف‌ها، ۹. تقسیم‌های اهمیت گفته‌ها و معانی در آمده در آن، ۱۰. درباره بحث کلامی درباره عدم حدوث قرآن و اثبات قدیم بودن آن، ۱۱. چگونگی استنباط مسائل از این تفسیر. ترتیب ظاهری تفسیر نیشابوری و سبک و شیوه نگارش آن بدین گونه است: مؤلف نخست چند آیه را یاد می‌کند، پس از آن قرائت‌ها و اختلاف‌های آنها را بیان می‌کند، سپس به بیان مواضع وقف‌ها می‌پردازد و به نکته‌های صرفی و اشتقاقی و نحوی و بلاغی نیز توجه کرده است. پس از پرداختن به جنبه‌های ادبی همان‌گونه که یاد شد، به اقوال مفسران به‌ویژه زمخشری و امام فخر رازی پرداخته و دیدگاه‌های مذاهب کلامی اسلامی از اشاعره و معتزله و غیره و نیز مسائل فروعی فقهی از مذهب‌های حنفی و مالکی و شافعی و غیره را یاد می‌کند.

یکی از ویژگی‌های مهم دیگر این تفسیر مسائل آماری است، نظام نیشابوری به اعتبار آنکه دارای ذوق ریاضی و نجومی و فلسفی و کلامی و اندیشه‌هایی از این‌گونه‌ها بوده، در آغاز برخی از سوره‌ها عدد حروف هر سوره و شمار کلمه‌ها و آیه‌ها را یاد کرده است و این کاربرد آماری یکی از ویژگی‌های این تفسیر است، از باب نمونه در آغاز سوره «شعرا» نوشته: حرف‌ها: ۴۵۴۲، کلمه‌ها: ۱۲۹۹، آیه‌ها: ۲۲۷ و در آغاز سوره «قصص» آورده: حرف‌ها: ۸۵۰۰، کلمه‌ها: ۱۱۴۱، آیه‌ها: ۸۸.

کاربرد روش‌های آماری در تفسیر قرآن کریم اگرچه به‌ظاهر در خصوص حروف و کلمه و امور ساختاری است، ولیکن رهنمودی است بر اینکه شیوه آماری که پیشینیان علوم قرآنی درباره شمار سوره‌ها و جزءها و حزب‌ها و آیه‌ها نهاده‌اند، بهره‌ها و سودهایی را فراگیر است.

تفسیر آماری

با پیدایش علوم قرآنی و پیشرفت آن، اندک‌اندک نشانه‌هایی از نیاز به اعداد و شماره سر برآورد،

مانند شمار سوره‌ها و جزء‌ها و حزب‌ها و آیه‌ها و قرائت‌ها و حروف سوره‌ها و تکرار بسمله و بسیاری از امور دیگر و از همین نمونه‌های آماری، آمار امور دیگری کم‌وبیش نهاده شد. پیش از آنکه به مسئله لزوم وضع تفسیر آماری بپردازیم، شایسته است به یکی از ویژگی‌های بی‌نظیر قرآن کریم توجه شود:

سخن از بی‌نظیری قرآن کریم از استدلال و برهان بی‌نیاز است، ولیکن بیان و توضیح بی‌نظیری در حرف حرف و کلمه کلمه این کتاب الهی شایسته تبیین و توضیح است. قرآن کریم به نام‌های گوناگون موهبت یافته که تجلی‌گاه «الاسماء الحسنی» الهی و بزرگی و عظمت معانی و مفاهیم کلی و عمومی است. یکی از ویژگی‌های قرآن این است که این کتاب «تبیان کل شیء»^۱ را بر عهده دارد و حقیقت و واقعیت و ماهیت و هویت همه چیز در آن فراهم آمده و از آنجا که بیان و تبیین، سرشت آدمی را فضیلت بخشیده، «خلق الانسان علمه

البیان»^۲، این کتاب را «هذا بیان للناس»^۳ مقرر فرموده‌اند.

هیچ کتابی در جهان نبوده و نیست که بیان همه چیز را فراگیرد و هیچ کتاب تدوینی بیان همه چیز را در بر ندارد. کتاب‌های پیشین و پسین قرآن همه و همه در بیان خرده‌ها و ذره‌ها ناتوان شده و مانده شده و هنوز هم گام نخستین به کوی دانش را نگذارده‌اند و این نکته سر دراز دارد!

کتابی که عهده‌دار بیان همه چیز است، چگونه توان گفت تهی و خالی از آمار است و از این رو شایسته است اگر تفسیری آماری برای آن پایه‌گذاری نشده، آمار آرمان‌هایش تدوین شود. خردورزان علوم قرآنی، اساس آن را پایه‌گذاری کنند و به تفسیرهای موضوعی بسنده نکنند و آمار حرف‌ها، کلمه‌ها، آیه‌ها، جزء‌ها، حزب‌ها و سوره‌ها را که در گذشته انجام گرفته رهنمودی برای آمارهای مهم ساختاری و معنایی و موضوعی و کاربردی بدانند و بدین ترتیب، آمار

مسائل هر علمی از علوم انسانی و ریاضی و طبیعی و فنی و پزشکی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حقوقی و غیره را از آیات نورانی این تنزیل بی‌نظیر بررسی و استخراج کرده و برای هر یک مصطلحی استوار و رسا و درست بیابند و بنهند. تفسیر آماری افزون بر روشی در اثبات اعجاز قرآن به تدریج ابهام‌ها و نارسایی‌های علوم و فنون را برمی‌دارد و بدون پروا باعث و سبب ابتکارها و ابداعات عظیمی در علوم و فنون می‌شود، ابداعات و ابتکارهایی که منبع و منشأ آن «تبیان کل شیء» باشد، استواری جهان و آدمیان و دیگر موجودات را در پی خواهد داشت. بمنه و کرمه

پی‌نوشت

۱. «و نزلنا علیک القرآن تبیاناً لکل شیء»، النحل/۸۹
۲. الرحمن/۳-۴
۳. آل عمران/۱۳۸

نقدنامه تاریخ، باستان‌شناسی و هنر (۲) منتشر شد

کتاب فلسفه تاریخ آمده است: «متن، علی‌رغم بار فلسفی، به میزان قابل توجهی روان ترجمه شده است تا خوانندگان فارسی‌زبان را در جریان مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین دغدغه‌های مورخین مطرح، قرار دهد. در عین حال، مترجم به دلیل رعایت پاره‌ای موازنی ترجمه‌ای، در ساختار ادبیات اصلی متن مانده و متن را دچار سنگینی کرده که به نظر می‌رسد بخشی دیگر از مشکل باشد و از آن جهت است که مترجم در حرفه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری کمتر آبدیده شده است.»

«امامت و سیاست (تاریخ خلفا)» نوشته ابن قتیبه دینوری، دومین کتاب نقد شده است. قتیبه، نویسنده ایرانی زاده بغداد است که از مورخان سرشناس سده سوم هجری است. معرفی کنندگان، این کتاب را یکی از منابع اصلی دوره نخستین اسلامی دانسته‌اند و بر این باورند که سیدناصر طباطبایی، مترجم این اثر، به نیکی توانسته است اصطلاحات تاریخی را برابریابی کند و خواننده را با ابن قتیبه به سده‌های نخستین اسلام ببرد؛ با این همه معرفی کنندگان، به مترجم توصیه کرده‌اند که مباحث کلیدی، قدری تحشیه لازم است.

سومین کتابی که نقد شده «جغرافیای تاریخی کوفه» نام دارد. این کتاب نوشته لویی ماسینیون است که توسط عبدالرحیم قنات به فارسی ترجمه شده است. دیدگاه دکتر صادق آیینه‌وند و سیمین مقیسه درباره کتاب، این است که مترجم در ترجمه و شرح و تعلیقات عربی موفقیتی نسبی داشته است و همچنین در تکمیل پاورقی و نام کامل کتاب‌ها و توضیحات تلاش فراوانی کرده است.

«تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ» نوشته دکتر محمد توکلی طرقي، کتاب دیگری است که نقد شده است. از دید معرفی کنندگان، نویسنده این کتاب، بیشتر در دایره خوانندگان عمومی تاریخ سخن گفته که خود این مطلب،

شاهین آریامنش: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتاب نقدنامه تاریخ، باستان‌شناسی و هنر (۲) را منتشر کرد.

این کتاب که به کوشش دکتر صادق آیینه‌وند و سیمین مقیسه منتشر شده است به نقد و بررسی کتاب‌هایی می‌پردازد که در زمینه‌های تاریخ، باستان‌شناسی و هنر در دانشگاه‌ها، تدریس می‌شود.

در آغاز این کتاب، پیشگفتاری از سیدحسین حسینی، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی منتشر شده است که در بخش‌هایی از آن چنین می‌خوانیم: «چنانچه حیات اندیشه‌ورزی را به نقد بدانیم، بدون تردید نقطه ثقل یک اندیشه متدیک و نظام‌مند نیز وابسته به مولفه نقد علمی است، چرا که بدون آن، نه تنها ساختار یک پژوهش علمی ناب شکل نمی‌گیرد که از سویی با نقادی، خلاقیت آن تضمین شده و از سوی دیگر به پویایی بایسته خود دست می‌یابد. پس، در حوزه علمی - اجتماعی نیز می‌توان نقد اجتماعی را از نشانه‌های پویای یک جامعه آزاداندیش قلمداد کرد.»

در ادامه، دکتر صادق آیینه‌وند به عنوان رییس گروه تاریخ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در مقدمه‌ای به معرفی این گروه پرداخته است. این شورا در مجموع ۱۸۶ جلسه درباره بررسی متون و آثار تخصصی در زمینه تاریخ و باستان‌شناسی و هنر برگزار کرده است که در این جلسات ۱۲۰ اثر رایج در این حوزه بررسی شده است، که از این تعداد، ۹۶ اثر چرخه داوری را به پایان رسانده و ۲۶ اثر نیز دست‌کم یک‌بار داوری و بازبینی شده است.

در این کتاب، ۱۳ عنوان کتاب، نقد و معرفی شده‌اند که نخستین کتاب معرفی‌شده، «فلسفه تاریخ» نوشته مایکل استنفورد، استاد فلسفه و تاریخ است که توسط احمد گل‌محمدی به فارسی برگردانده شده است. در نقد

تسلیت

جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی

قائم مقام و معاون محترم پژوهشی پژوهشگاه مصیبت وارده را به شما تسلیت گفته و از درگاه خداوند بزرگ، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

جناب آقای دکتر سیدمهدی موسوی

معاون محترم اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته و از درگاه خداوند بزرگ، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد گرامی پژوهشگاه مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمان تسلیت گفته و برای آن مرحومه علوم درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

سرکار خانم دکتر پروین ترکمنی آذر

مصیبت درگذشت همسر گرامیتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای شما و سایر بستگان صبر جمیل آرزومندیم.

سرکار خانم دکتر امید ملاک بهبهانی

استاد گرامی پژوهشگاه مصیبت درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

سرکار خانم اعظم صادقیان

مصیبت درگذشت مادر بزرگ گرامیتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

سرکار خانم فرزانه صادقیان

مصیبت درگذشت مادر بزرگ گرامیتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

جناب آقای احمد رشیدی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

جناب آقای صادق کیا

مصیبت درگذشت عموی بزرگوارتان را تسلیت گفته و از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

با نهایت تأسف در گذشت جناب آقای «علی امیری» همکار بازنشسته پژوهشگاه را تسلیت می‌گوییم.

اسباب سهولت ایجاد رابطه با خواننده را در سطوح مختلف فراهم کرده است. با این همه، نویسنده «تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ»، بر آن است تا از طریق حذف دستاوردهای هویتی ایران در قرن نوزدهم، خواننده را تخلیه روانی و روحی کند.

پنجمین کتاب نقدشده «تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار» نام دارد. از دید منتقدان، این کتاب، با ادبیاتی قابل فهم و روان تنظیم شده است چنانکه دانشجویان و سایر خوانندگان به راحتی می‌توانند با متن ارتباط برقرار کنند. همچنین منتقدان بر این باورند گستردگی کار، موجب به هم خوردگی سرعنوان‌ها و عدم تناسب رتبه‌بندی آنها شده است.

«تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» نوشته آدام متز و ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، دیگر کتاب نقد شده است که از دید منتقدان، تکیه بر سده چهارم هجری، از نکته‌های مهم کتاب است. کیفیت بالای ترجمه نیز از جهت روانی و انعکاس دقیق منابع و شواهد، نکته ارزنده دیگر این کتاب است.

در بخش سپسین، منتقدان، کتاب «نخستین مسلمانان در اروپا» نوشته برنارد لوپس را به صورتی بلندبالا ارزیابی کرده‌اند و آن را از نظر روان و رسا بودن زبان ترجمه برای مخاطب دانشگاهی و تحصیل کرده، انسجام و نوآورانه بودن، به کار گرفته‌شدن اصطلاحات تخصصی، جامعیت نسبی، روزآمد بودن منابع، بهره‌گیری از انبوهی از منابع گوناگون تاریخی، سیاسی، فرهنگی و هنری مثبت ارزیابی کرده‌اند. با این همه به مترجم یا ناشر کتاب پیشنهاد کرده‌اند تا با افزودن چند نقشه درباره نقاط تماس سرزمین‌های اسلامی با مغرب‌زمین در ادوار مختلف تاریخ، افزودن جمع‌بندی فصول به پایان فصل‌ها، رعایت وحدت رویه در چگونگی نقل قول مستقیم، به سودمندی کتاب بیفزایند.

«تاریخ بیداری ایرانیان» نیز یکی دیگر از آثار نقد شده این کتاب است. این کتاب نوشته نظام‌الاسلام کرمانی است که در دو جلد منتشر شده است. دکتر آیینه‌وند و مقیسه، سادگی و روانی اثر، صداقت نویسنده، ارائه آگاهی‌های دست اول از میرزا آقاخان کرمانی و موارد دیگری را از نکته‌های مثبت این کتاب برشمرده‌اند. با این حال، انتقاداتی نیز به کتاب دارند که یکی از آنها، این است که بخش عمده‌ای از اخبار و آگاهی‌های نویسنده، بر شنیده‌ها استوار است.

در ادامه کتاب‌های «تاریخ اسلام کمبریج»، «منتخب النصوص التاريخية و الجغرافية» نوشته نورالله کسایی، «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران» نوشته ناصر تکمیل‌همایون، «پیام‌آور رحمت» نوشته سیدعلی میرشریفی و «تشیع» نوشته هاینس هالم نقد و بررسی شده‌اند و از کاستی‌ها و نقاط قوت آنها سخن به میان آمده است.

در پایان کتاب نیز «گزارش هم‌اندیشی استادان تاریخ، تاریخ و تمدن اسلامی، باستان‌شناسی و هنر» به چاپ رسیده است و پیشنهادهای ارائه‌شده به کمیته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و کمیته باستان‌شناسی و هنر و کمیته تاریخ اسلام و ایران منتشر شده است.

این کتاب که در ۵۰۰ نسخه و به بهای ۵۵۰۰ تومان منتشر شده منبع بسیار ارزنده و مهمی برای علاقه‌مندان به حوزه تاریخ، باستان‌شناسی و هنر است.

برگزاری ضیافت افطاری پژوهشکده «فرهنگ معاصر» در پژوهشگاه علوم انسانی

می‌نگریم به بررسی علل مشکلات جامعه می‌پردازیم و اقرار می‌کنیم اگر در بسترهای علمی چون داروسازی و شیمی و دیگر تخصص‌ها پیش رفته‌ایم، به همان نسبت در مطالعات و نگاه‌ها و چشم‌اندازهای فرهنگی عقب مانده‌ایم. دلیل آن نیز چیزی جز این نیست که همه به سمت آن رشته‌ها خیز برداشته‌اند و کمتر کسی را می‌توان دید که به فرهنگ جامعه خودش اندیشیده باشد. از خودبیگانگی و از خودگم‌گشتگی فرهنگی و هویتی جامعه ما را به درون خود فرو می‌برد که اقدام دکتر آیینوند در تأسیس پژوهشکده فرهنگ معاصر بسیار به حق است اما بسیار بسیار دیرنگام. امیدواریم که این عقب‌ماندگی را جبران کنیم.

در ادامه دکتر محمدرضا بهشتی گفت: دکتر آیینوند بر این باور بودند که می‌توان فعالیت خوبی در زمینه‌هایی این چنینی انجام داد که خوشبختانه پژوهشگران خوبی در این مکان جمع شده‌اند تا با همدلی و همفکری کار مشترکی انجام دهند که امیدواریم کارهای خوبی در این پژوهشکده انجام شود و پس از سالیان چندی که به عقب می‌نگریم شاهد کارهای ارزنده‌ای در این مکان باشیم.

دکتر محمد رجبی رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به مبتذل شدن کاربرد فرهنگ گفت: شاید کمتر مسئله‌ای در دهه‌های اخیر در کشور ما، به ابتذال کاربرد فرهنگ رسیده باشد. از تولید فرهنگی، مهندسی فرهنگی، خدمات فرهنگی گرفته تا توزیع فرهنگی و صادرات و واردات فرهنگی.

وی افزود: پژوهشکده فرهنگ معاصر کار دشواری در پیش دارد چرا که زدودن ابهام‌ها و خلط‌ها که در حوزه فرهنگ مطرح می‌شود، دشوار است اما امیدوارم که با همت و درایت در این زمینه موفق شوند.

دکتر حسین پاینده در پایان با اشاره به بحث سخنرانان پیشین درباره گفت‌وگو گفت: در گفت‌وگوهای دیگر پژوهشگران تبیینی بین «ما» و «دیگری» بیان شد اما نگاه من متفاوت است و من تبیینی در این میان نمی‌بینم. در گفت‌وگوی بین «من» و «دیگری»، رابطه دیالکتیکی متقابل می‌تواند به این گفت‌وگو معنی بدهد و گرنه اگر از همان ابتدا، تاریخ و فرهنگ و تمدن و اندیشه و فرهنگ خود را برتر بدانم، چنین گفت‌وگویی به معنای واقعی نخواهد بود.

وی افزود: امروزه «دیگری» تبدیل به کلیدواژه مباحث علوم انسانی شده است. «دیگری» ضمیر ناخودآگاه من است. او از من جداست اما انبار آرزوهای سرکوفته من است که اگرچه من آنها را نمی‌دانم اما آنها مرا به طرفی سوق می‌دهند. افتخار فرهنگ و کشور ایران می‌تواند در این باشد که وارد گفت‌وگوی جدی با فرهنگ‌های دیگر می‌شود و به آنها احترام می‌گذارد و آنها را می‌شناسد. وی تصریح کرد: کار مسئولان پژوهشکده فرهنگ معاصر بسیار دشوار است. آیا در چارچوب فرهنگ خودمان، آن «دیگری» را به رسمیت شناخته‌ایم؟ چه چشم‌انداز روشنی از روابط میان‌رشته‌ای در ایران می‌بینیم؟ امیدوارم پژوهشگران شما را یاری کنند چرا که همان پروژه بزرگ شناخت «دیگری» است که هم ابعاد روانکاوانه دارد و هم ابعاد روابط بین‌الملل دارد و هم به کشور ما و وضعیت امروز ما مربوط می‌شود.

وی ادامه داد: امروزه صدای وحشتناک جنایتکارانی به نام داعش می‌آید. دیگری‌سازی چنین پیامدهای وحشتناکی را می‌تواند در پی داشته باشد.

در پایان دکتر مصلح با تشکر از حضور استادان و فرهنگ‌پژوهان در جلسه، به طور کوتاه برنامه‌های پژوهشکده را شرح داد و گفت: می‌کوشیم از تجارب پژوهشگران حوزه فرهنگ تا حد توان استفاده کنیم. رونق و عمران پژوهشکده به حضور موثر پژوهشگران برجسته در آن است. دست یاری به سوی فرهنگ پژوهان دراز می‌کنیم. به دشواری‌های کار وقوف داریم اما به لطف الهی هم ایمان داریم. می‌کوشیم با آرامش و شکیبایی این راه دشوار را طی کنیم.

یادآور می‌شود در این مراسم چهره‌های برجسته علمی از رشته‌های مختلف علوم انسانی حضور داشتند.

ضیافت افطاری پژوهشکده «فرهنگ معاصر» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۲۴ تیرماه برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر علی‌اصغر مصلح سرپرست و مسئول تأسیس پژوهشکده فرهنگ معاصر، ضمن بیان گزارشی از فعالیت‌های صورت گرفته برای راه‌اندازی پژوهشکده گفت: اگر دانشگاه تهران به عنوان نهادی آموزشی در سال ۱۳۱۳ بنیان گذاشته شد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شاید نخستین نهاد پژوهشی است که در کشور تأسیس شده و به طور تخصصی به پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی پرداخته است.

وی افزود: با شروع دوره مدیریت جناب آقای دکتر صادق آیینوند رییس پژوهشگاه و جناب آقای دکتر قبادی معاون پژوهشی پژوهشگاه به منظور گسترش فعالیت‌های پژوهشی در حوزه فرهنگ حکم تأسیس پژوهشکده فرهنگ معاصر را به بنده دادند که بعد از رایزنی با برخی از همکاران و پژوهشگران، مطالعات میان‌رشته‌ای - میان‌فرهنگی در حوزه فرهنگ در دستور کار قرار گرفت و مقرر شد تا گروه‌های «فلسفه فرهنگ»، «مطالعات میان‌فرهنگی» و «فرهنگ ایرانی» در این پژوهشکده فعالیت خود را آغاز کنند. همچنین برای تعامل هر چه بیشتر با پژوهشگران، در تلاش هستیم تا همایشی را در سال آینده با رویکرد میان‌رشته‌ای - میان‌فرهنگی برگزار کنیم. در ایران بیش از گذشته به گوش‌های شنوا نیاز است. باید به گفت‌وگو به معنای عمیق بیش از پیش توجه کرد. در ایران معاصر تجربه‌های با ارزش بسیاری در حوزه فرهنگ‌پژوهی، از جمله در همین پژوهشگاه داریم؛ اما این کوشش‌ها و تجربه‌ها از هم گسسته است. باید تجربه جدیدی با تکیه بر تجارب گذشته آغاز کنیم.

در ادامه دکتر صادق آیینوند، رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی حضور پژوهشگران و دانشمندان در پژوهشگاه را به فال نیک گرفت و گفت: این پژوهشگاه عرصه فیلسوفان فرهنگ و متفکران فرهنگی است. پژوهشگاه همه تسهیلات و امکانات را برای پژوهشگران فراهم و از آنان پشتیبانی می‌کند تا پژوهشگران با فکر و اندیشه به پژوهش بپردازند.

این استاد تاریخ به رویداد تاریخی پیدایش خوارزم‌شاه از اسب به احترام ابوریحانی بیرونی و گفته خوارزم‌شاه که هیچ چیزی بالاتر از علم نیست اشاره کرد و جایگاه علم را جایگاه بسیار بلندی دانست.

در ادامه، دکتر غلامرضا اعوانی استاد دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به کوتاهی در زمینه‌های فرهنگی گفت: جای چنین پژوهشکده‌ای برای فرهنگ در ایران بسیار خالی بود. اگرچه تاثیرگذارترین فرهنگ جهان از آن ماست اما در زمینه فرهنگ بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. نفوذ فرهنگ و زبان ایران در کشورهای چین، هند، مالزی و اندونزی بسیار دیده می‌شود. اسلام از طریق فرهنگ ایرانی به کشورهای شرقی رفته است نه با شمشیر، اما بی‌تعارف باید بگویم که پژوهش‌های فرهنگی بسیار ضعیفی داشته‌ایم که این پژوهش‌ها قابل تطبیق با فرهنگ غنی ایران نیست.

وی افزود: یکی از کارهای مهم علوم انسانی مطالعه فرهنگ‌های دیگر است و بهترین دانشگاه‌های جهان کارنامه درخشانی در مطالعه فرهنگ کشورهای دیگر همچون چین و هند داشته‌اند. جزیره کوچکی چون هاوایی که کمتر از سه ساعت می‌توان همه آن را با ماشین بازدید کرد بزرگ‌ترین مرکز مطالعات فرهنگی چین و هند را با تقریباً ۷۰ استاد دارد؛ اما در ایران بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم و چنین مراکزی وجود ندارد؛ نه هندشناس داریم و نه چین‌شناس.

دکتر اعوانی ابراز امیدواری کرد که تأسیس این پژوهشکده و گروه‌های آن بسیار مثمر ثمر باشد و در دانشگاه‌های دیگر نیز چنین مراکزی شکل بگیرد. ایران پل بین فرهنگ‌ها بوده است که امیدوارم این جایگاه دوباره احیا شود.

دکتر محسن خلیجی استاد علوم سیاسی نیز توجه نکردن به فرهنگ جامعه را بلای خانمان‌سوزی قلمداد کرد که دچارش شده‌ایم و افزود: زمانی که به عقب

گزارشی از سفر یک‌روزه به قلعه الموت

دقیقه به حرکت خود ادامه داده تا اینکه در ساعت ۲۲/۳۵ به پژوهشگاه رسیدیم.

میراث فرهنگی مانع ساخت و ساز در حریم پاسارگاد شود

شکستن حریم درجه دو و سه درجه پاسارگاد اقدام بسیار مخربی است که میراث فرهنگی باید جلوی چنین اقداماتی را بگیرد و مانع ساخت‌وساز در حریم این سازه بسیار مهم تاریخ ایران شود.

یک باستان‌شناس ساخت کارخانه ذرت خشک کنی در حریم درجه یک پاسارگاد و گسترش شهرک صنعتی احداث شده در حریم درجه ۳ این اثر ارزشمند تاریخی را بسیار نکوهیده خواند و گفت: میراث فرهنگی باید جلوی چنین اقداماتی را بگیرد.

«شاهین آریامنش» درباره نقض حریم آثار تاریخی و باستانی گفت: نقض حریم محوطه‌های باستانی و تاریخی در حالی صورت می‌گیرد که وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات دولتی و استانداری‌های کشور، بر اساس بخش‌نامه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۲ به منظور حفاظت از میراث فرهنگی، برای هرگونه ساخت‌وساز ملزم به استعلام از سازمان میراث فرهنگی هستند.

وی افزود: از سوی دیگر در ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز چنین آمده که هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، در حریم آثار فرهنگی - تاریخی به عملیاتی دست بزند که بنیان آن اثر را متزلزل کند، افزون بر پرداخت خسارت وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود. این باستان‌شناس با تأکید بر اینکه نه تنها حریم حفاظتی آثار تاریخی و باستانی بلکه حریم بصری آنها نیز بسیار مهم هستند، افزود: مخدوش کردن حریم بصری آثار تاریخی و فرهنگی درحالی انجام می‌گیرد که سال‌ها پیش در غرب، مردم می‌توانستند ساخت و سازهایی که حریم آثار تاریخی را مخدوش می‌کرد، ویران کنند.

آریامنش خاطرنشان کرد: شکستن حریم درجه سه و درجه دو پاسارگاد اقدام بسیار مخربی است که میراث فرهنگی باید جلوی چنین اقداماتی را بگیرد و مانع ساخت‌وساز در حریم این سازه بسیار مهم تاریخ ایران شود، بی‌گمان یونسکو نیز در برابر شکستن حریم آثاری که در یونسکو به ثبت رسیده واکنش نشان خواهد داد.

جاده الموت از لحاظ سربالایی‌ها، سربایینی‌ها و پیچ‌هایش بی‌نظیر است. بعد از گذشتن از ارتفاعات این منطقه و در حین گذر از پیچ و تاب جاده همان‌طور که سمت پایین سرازیر بودیم، در پیش رو منطقه‌ای سرسبز و زیبا، خانه‌هایی با سقف‌های شیروانی و رنگ‌های زیبا را مشاهده می‌کردیم. در ساعت ۱۱/۴۵ به روستای گازرخان رسیدیم.

وقتی به بالا رسیدیم در آنجا یک راهنمای محلی بود که مشغول به توضیح دادن شد. هر چند که خیلی از صحبت‌های این پیرمرد نازنین و خستگی ناپذیر را به سختی متوجه می‌شدیم، ولی نکات بسیار مهمی را بیان می‌کرد. این آقا نزدیک ۲۰ سال از عمرش را همانجا در کالوش قلعه با باستان‌شناسان گذرانده بود، بعد از شنیدن توضیحات راهنما، حدود نیم ساعتی را برای دیدن آثار به جا مانده از قلعه گذرانده، سپس آماده برگشت شدیم و برای صرف ناهار که از قبل هماهنگی شده بود، به رستورانی که داخل یک باغچه بسیار زیبا بود رفتیم نوع غذای تهیه شده جوجه کباب و قیمه نساء (نثار) بود. پس از صرف ناهار و ادای نماز، سوار اتوبوس شده و به سوی دریاچه اوان حرکت کردیم. حدود ساعت ۵/۱۰ دقیقه به دریاچه اوان رسیدیم (دریاچه زیبای اوان در نیمه شمالی الموت، در دامنه کوه خشچال، در فاصله ۷۵ کیلومتری قزوین و در میان چهار روستای اوان، ورین، زواردشتو، زرابادشهر قزوین قرار دارد. این دریاچه که بیش از هفتاد هزار متر مربع مساحت دارد، تنها از آب چشمه‌های کوچک زیرزمینی موجود در بستر دریاچه تغذیه می‌شود و تنها بخش ناچیزی از آن هنگام بارندگی اما به صورت سطحی و خیلی کم تامین می‌شود، عمیق‌ترین بخش آن که توسط یک تیم غواصی در ۱۸ مرداد ماه سال ۹۲ با استفاده از دو دستگاه دایو کامپیوتر سوانتو اندازه‌گیری شده است ۶/۸ متر با دمای آب ۲۳ درجه سانتیگراد و میدان دید در زیر آب کمتر از یک متر می‌باشد. برخی از مردم محلی عمق‌های متفاوتی را برای این دریاچه عنوان کرده‌اند که تیم غواصی چنین چیزی را تأیید نکرد. بستر دریاچه مملو از لجن و رسوبات ته‌نشین شده است که حالت چسبندگی بسیاری دارد. از سرریز آب دریاچه نیز رود کوچکی تشکیل می‌شود که آب آن مورد استفاده کشاورزان روستاهای کوشک و آیین است).

تعدادی از دوستان کنار دریاچه نشسته و از طبیعت زیبای آنجا استفاده کردند و تعدادی دیگر نیز از قایق‌هایی که در آنجا بود اجاره کرده و نیم ساعتی قایق سواری کردند. در ساعت ۶ همه دوستان سوار اتوبوس شدند تا به سمت تهران حرکت کنیم. در طول مسیر برگشت اتوبوس در یک منطقه رفاهی که در اتوبان قزوین - تهران واقع شده بود نکه داشته تا دوستان هوایی تازه کنند سپس بعد از چند

معاونت فرهنگی: کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سفری یک‌روزه که در سیزدهمین روز از شهریور ماه انجام شد، از قلعه الموت و دریاچه اوان بازدید کردند.

قلعه الموت دارای جاذبه‌های گردشگری و زیارتی بی‌شماری است؛ محوطه‌ها و قلعه‌های تاریخی - منابع و مناظر طبیعی - زیارتگاه‌ها و امامزاده‌ها که انتظار مسافران و گردشگران را در زمینه‌های گوناگون پاسخگوست. ورودی دره الموت از میدان مینو در قزوین تا میدان آزادی تهران از طریق بزرگراه تهران قزوین، ۱۴۰ کیلومتر است. از میدان مینودر تا دژ حسن صباح، ۱۰۸ کیلومتر است که با در نظر گرفتن راه هزارچم و دره‌ها و پرتگاه‌ها و باریک بودن جاده دره الموت، حدود ۳/۳۰ ساعت به طول انجامید. در طول مسیر و در دو سوی جاده مارپیچی مناظر بسیار زیبا و چشم‌نوازی وجود دارند و ایستگاه‌های پذیرایی و استراحتگاه در اینجا به چشم می‌خورد. از دیگر چشم‌اندازهای این منطقه آسمان پاک و آبی، با هوایی ملایم و سالم کوهستانی است که به سرزمین کوهستانی دره الموت آرامش بخشیده و هدیه‌ای است که به این منطقه داده شده است و به شکرانه آن، می‌توان این هوای خوش و فرخ‌بخش و سرشار از اکسیژن را به گردشگران خسته شهرهای آلوده پیشکش کرد و آنان را به آرامش فراخواند.

در ساعت ۵/۳۰ صبح در پژوهشگاه حضور پیدا کردیم و در ساعت ۵/۴۵ میل باس، توسط شرکت گردشگری آرند تور به همراهی آقای عارفی راهنمای تور، در جلوی پژوهشگاه حضور یافتند. تا اینکه همه شرکت‌کنندگان جهت سفر به قلعه الموت حاضر شدند و در ساعت ۶/۱۰ به سمت قلعه الموت حرکت کردیم. برای رسیدن به قلعه الموت می‌بایست از اتوبان کرج به سمت قزوین طی طریق می‌کردیم و با توجه به هماهنگی قبلی توسط شرکت آرند تور جهت صرف صبحانه آقای عارفی راهنمای تور در مسیر راه از همسفران نوع صبحانه‌ای که تمایل داشتند صرف کنند، سوال کرده و به مدیر رستوران اعلام کردند. در هر صورت در ساعت ۷/۴۰ در ۲۰ کیلومتری عوارضی قزوین اتوبوس در مقابل رستوران لاله صحرا به قصد صرف صبحانه توقف کرد. پس از صبحانه، اتوبوس در ساعت ۸/۱۵ به حرکت خود ادامه داد. وقتی به ابتدای جاده رسیدیم، طبیعت زیبای منطقه کم‌کم نمایان می‌شد و توجه همه را به خود جلب کرده بود. طبیعت این منطقه بسیار زیباست و با اینکه از لحاظ مسافت با تهران، فاصله چندانی ندارد ولی خوشبختانه هنوز مورد هجوم ویلا دوستان عزیز و محترم قرار نگرفته است.

دیدگاه اسلام به زن فراجنسیتی است/ ادیان دیگر زن را در مرتبه پایین تری از مرد قرار می‌دهند

دکتر نیره دلیر در نشست «زن و جنسیت مؤنث در سیره نبوی و مبانی قرآنی آن» که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شد گفت: در آیات قرآن اشارات بسیاری به زن و جنسیت مؤنث شده است. یکی از نخستین و مهم‌ترین آیات، آیه نخست سوره نساء است که می‌گوید ما از نفس واحد انسان را آفریدیم و این بدین معنی است که دیدگاه خداوند درباره زن چیست و در درجه اول فراجنسیتی و با تعبیر نفس واحد در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که در ادیان دیگر تفاوت دیدگاه وجود دارد و زن را در مرتبه پایین تری از مرد می‌بینند.

وی در ابتدای این مراسم با بیان اینکه پیامبر پس از اینکه دعوت خود را آغاز کرد به صورت عام و فراگیر زن و مرد را خطاب پیام خود قرار داد گفت: در آیات قرآن اشارات بسیاری به زن و جنسیت مؤنث شده است. یکی از نخستین و مهم‌ترین آیات، آیه نخست سوره نساء است که می‌گوید ما از نفس واحد انسان را آفریدیم و این بدین معنی است که دیدگاه خداوند درباره زن چیست و در درجه اول فراجنسیتی و با تعبیر نفس واحد در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که در ادیان دیگر تفاوت دیدگاه وجود دارد و زن را در مرتبه پایین تری از مرد می‌بینند. وی افزود: پس از بعثت، پیامبر احترام زیادی برای زنان قائل شدند در حالی که در جامعه جاهلی عرب، زن موجودی تحقیر شده بود. در جامعه حجاز آن زمان گاهی زن از موجودات چهارپا نیز پایین تر بود و این موجود چنان برای برخی از مردان کراحت داشت که وقتی خبر تولد یک دختر به مرد عرب می‌رسید، صورتش سیاه می‌شد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به کتاب‌های که درباره صحابه‌های زن نوشته شده، ادامه داد: تعداد زنان صحابی آنگونه که در کتاب‌های تاریخی نگاشته شده بیش از هزار و ۵۰۰ زن بوده است به طور مثال، ابن سعد در جلد ۸ طبقات الکبری، ابن حجر عسقلانی در کتاب الإصابه و ابن عبدالبر در الاستیعاب و واقدی در کتاب المغازی به صحابه‌های زن پیامبر اشاره می‌کند. دلیر همچنین به آیه ۷۲ سوره توبه اشاره کرد و گفت: در این آیه قرآن حتی فراتر از بحث بیعت بر نقش زنان بر مسأله امر به معروف و نهی از منکر که یکی از امور بالای مشارکت اجتماعی است، صحنه می‌گذارد. این استاد دانشگاه با بیان این که در زمان پیامبر بت‌های ذهنی زیادی علیه زنان وجود داشت تاکید کرد: پیامبر سعی کرد که این بت‌ها را بشکند. او حتی برای زنان پذیرش صلاحیت سیاسی قائل شد و زمانی که ام‌هانی خواهر حضرت علی در جریان فتح مکه به دو مشرک امان داد، وی تشخیص ام‌هانی را پذیرفت. وی در ادامه اظهار داشت: در برخی مواقع حدیثی از پیامبر ذکر می‌شود که می‌گوید از زنان مشورت بگیرید و برعکس آن عمل کنید، می‌بینیم که پیامبر در جریان صلح حدیبیه به مشورت ام سلمه همسر خود گوش می‌دهد و در منابع تاریخی از نیکویی نظر ام سلمه یاد می‌شود. بنابراین، اگر پیامبر چنین نگاهی به مشورت با زنان داشت خود نخستین عامل عمل به آن نبود.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه به استقلال اقتصادی زن در آیات قرآن کریم اشاره شده است، گفت: علاوه بر این آیه مهمی در قرآن وجود دارد که نشان‌دهنده اوج توجه قرآن به زنان است به گونه‌ای که در آیه ۱۱ سوره تحریم به صراحت زن فرعون را الگویی برای جامعه یاد کرده است. همچنین سراسر سوره مریم نیز در عظمت زن نازل شده است و گاهی در برخی از آیات این سوره، حضرت مریم از زکریا نیز از جایگاه بالاتری برخوردار است. وی در پایان سخنانش گفت: دین اسلام سعی می‌کند تا به جایگاه زن در جامعه ارج نهد، البته در این میان مشکلاتی هم از نگاه سنت عرفی وجود دارد که باید برطرف شود و همان طور که گفته شد دین اسلام و به ویژه سیره نبوی برای زن و جنس مؤنث ارزش بسیاری قائل است.

معرفی کتاب سیمای خانواده در رمان فارسی دهه شصت

سمانه خودچپانی: به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کتاب سیمای خانواده در رمان فارسی دهه شصت به قلم دکتر مریم عاملی رضایی منتشر شد.

این کتاب با پیشگفتاری از نگارنده کتاب، با یک مقدمه و در سه فصل نگاشته شده است. نویسنده کتاب در پیشگفتار به ذکر ادبیات داستانی به معنای جدید پرداخته و اشاره کرده است که همزمان با انقلاب مشروطه و تحولات سیاسی-اجتماعی دغدغه پرداختن به مسائل اجتماعی شکل گرفته است به گونه‌ای که رمان اجتماعی و واقع‌گرا از قدیم‌ترین و شایع‌ترین انواع رمان در ایران بوده است. این نوع رمان با تصویرسازی خلاقانه مناسبات و روابط انسانی و اجتماعی بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عرصه کشف هویت و بازخوانی مسائل فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است.

در این کتاب ساختار و مناسبات درون نهاد خانواده، در ادبیات داستانی واقع گرای دهه شصت (۱۳۶۹-۱۳۶۰) بررسی شده است که بخش اول آن از طرح سه ساله «سیمای خانواده در رمان اجتماعی سه دهه پس از انقلاب اسلامی» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شده است.

در بخش مقدمه نویسنده کتاب به معرفی رمان اجتماعی می‌پردازد و مطرح می‌کند که رمان اجتماعی به رمانی اطلاق می‌شود که توجه اصلی نویسنده در آن، معطوف به مسائل اجتماعی و تأثیر آن بر شخصیت‌های داستان است. وی ادامه می‌دهد که در این نوع از رمان‌ها نویسنده سعی دارد به بیان دردها و کاستی‌های اجتماعی بپردازد و اثرگذاری اوضاع اجتماعی-اقتصادی را بر شخصیت‌ها و رویدادهای داستان به تصویر کشد.

این کتاب از سه فصل با عنوان‌های «جایگاه خانواده در ادبیات کلاسیک فارسی»، «خانواده در رمان فارسی پیش از انقلاب»، «مناسبات خانوادگی در رمان‌های اجتماعی دهه شصت» تشکیل شده است.

در فصل اول این کتاب به پیشینه خانواده و تعارف آن، خانواده در ایران باستان، خانواده در متون تعلیمی پس از اسلام، خانواده در ادبیات عامه پرداخته شده است. در این فصل به نهاد خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی اشاره شده که در میان نهادها و سازمان‌های اجتماعی دیگر جایگاه ویژه‌ای دارد و هنوز نخستین پایگاهی است که پیوندهای عاطفی در آن شکل می‌گیرد و فرایند جامعه‌پذیری کودک نیز از آنجا آغاز می‌شود.

دکتر عاملی رضایی؛ در فصل دوم به تعریف رمان، انواع رمان، رمان اجتماعی و مناسبات خانوادگی در رمان اجتماعی از ابتدا تا انقلاب اسلامی پرداخته است. وی به ادبیات به عنوان بیان خلاقانه مناسبات و روابط انسانی اشاره می‌کند که این مناسبات در خانواده؛ که به عنوان هسته اولیه مناسبات و تعامل میان افراد است، شکل می‌گیرد.

ادبیات داستانی واقع‌گرا در ایران به دلیل اهمیت و کارکرد خاص خود، همواره در تعامل با نهادهای اجتماعی بوده است و نویسندگان، عموماً بیان واقعیت‌های اجتماعی را برای خود نوعی رسالت می‌دانسته‌اند. مفهوم خانواده در اکثر رمان‌های ایرانی نقش کلیدی دارد و همواره نقش اصلی داستان در درون خانواده معرفی می‌شود.

فصل سوم کتاب دربردارنده مباحث اصلی کتاب است در این فصل روش پژوهش و انواع رمان‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته، مطرح شده است. در ابتدای فصل، برای مقدمه به امور خانواده‌های قبل از انقلاب همچون روابط و مناسبات خانوادگی، معیارهای همسرگزینی، شیوه ازدواج، تقسیم کار در خانواده، ازدواج، طلاق و مناسک و مراسم پرداخته شده است و سپس به منظور بررسی این مناسبات خانوادگی رمان‌هایی از دهه شصت انتخاب شده‌اند.

نویسنده کتاب مطرح کرده است که: «به دلیل شرایط خاص اجتماعی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی، رمان اجتماعی در این دوره بسیار مورد توجه است و غالب رمان‌های پس از انقلاب، مضمون اجتماعی دارند. از میان حدود چهل رمان اجتماعی دهه شصت، برای انتخاب و بررسی چند رمان شاخص مورد نظر قرار گرفته است. در انتخاب این رمان‌ها به ویژگی‌هایی توجه شده

شاخصه عقل‌گرایانه تشیع مغفول مانده است

دکتر مریم صانع‌پور دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه ICIS انگلستان و عضو هیئت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی، نویسنده کتاب *شیعه‌شناسان غربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی* است، وی همچنین مقالات زیادی در زمینه فلسفه و حکمت به چاپ رسانده است. این پژوهشگر علوم انسانی در معرفی جدیدترین اثرش، هدف از این تحقیق که منتج به تالیف کتاب شد را اهمیت شاخصه عقل‌گرایی در شیعه دوازده امامی دانست و اشاره کرد که مذهب تشیع دوازده امامی تاکید فراوانی بر عقلانیت دارد اما متأسفانه در کشور شیعه خود ما نیز به این شاخصه توجه شایانی نشده است.

صانع‌پور همچنین مغفول ماندن این دیدگاه در کشور را دغدغه‌ای دانست که باعث شد دیدگاه شیعه‌شناسان غربی درباره شیعیان را بررسی کند. وی اظهار داشت: متأسفانه نتیجه‌ای که گرفتم این بود که عده بسیار کمی روی این مسئله و آن هم به صورت سطحی پرداخته‌اند و این امر نشان از کم کاری ما شیعیان در معرفی بعد کلامی مذهبمان دارد. بررسی‌های بنده نشان می‌دهد که شیعه‌شناسان غربی آن‌طور که باید به ابعاد عقل‌گرایانه شیعه یعنی عدل و امامت نپرداخته‌اند و اگر هم بررسی‌هایی صورت گرفته، با رویکرد کلامی نبوده بلکه با نگاهی تاریخ‌شناسانه صورت گرفته است اما از میان شیعه‌شناسان غربی روش مادلونگ که یک اسلام‌شناس آلمانی است بسیار منطقی و موجه است، درمورد جانشینی پیامبر اکرم با نگاهی خاص و با براهین قرآنی به قضیه نگاه کرده است و روش وی می‌تواند الگوی خوبی برای ما باشد تا بتوانیم برآن اساس گفت‌وگوی عقلانی و به دور از حساسیت و تعصب درمورد اصول اعتقاداتمان با برادران اهل سنت و نیز مخاطبان جهانی‌مان باشد.

دکتر صانع‌پور گفت: بنده به اینجا رسیدم که ما در مورد استدلال‌پذیری اصول اعتقاداتمان کار چندانی انجام نداده‌ایم و نتوانسته‌ایم این خصوصیت بارز شیعه امامیه را گسترش دهیم از این رو شیعه‌شناسان غربی هم نتوانسته‌اند این شاخصه شیعه را دریابند و با کمال تأسف این شاخصه عقل‌گرایانه تشیع مغفول مانده است؛ شاخصه‌ای که امکان گفت‌وگوی جهانی را بر اساس استدلال‌پذیری اصول اعتقاداتمان فراهم می‌کند. ما معمولاً شیعه امامیه را با احکام عبادی و مراسم شعائری معرفی کرده‌ایم که اموری درون دینی هستند و نمی‌توانند برای دیگران اغنا کننده باشد. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در ادامه گفت: در فرایند پژوهشی در این اثر علاوه بر رویکرد عقلانی که از آثار ائمه اطهار گرفتم، کتاب‌های مرتبط را در این زمینه جست‌وجو کردم و به کتابی بسیار خوب و مستدل از «شیخ محمد جواد مغنیه» به نام «الشیعہ فی المیزان» برخورد کردم که بخشی از راهی را که در نظر داشتم بروم ایشان در این کتاب طی کرده بود، و از این کتاب استفاده زیادی کردم. در بخش‌های بعدی کتاب پس از بررسی آرای شیعه‌شناسان غربی، به نقد آن‌ها پرداخته شد. در نهایت بار دیگر بر ضرورت پرداختن به بعد معقولیت و استدلال‌پذیری شیعه امامیه تأکید می‌کنم و معتقدم اصول اعتقادات ما که پذیرش‌اش تقلیدی نیست و باید در موردش تحقیق کرد می‌تواند در سطح جهانی مورد گفت‌وگوی منطقی قرار گیرد و حق‌جویان را به عقل‌گرایی این نگرش اسلامی جلب کند.

است همچون: رمان از رمان‌های موفق و مطرح دوره خود باشد، ارزش ادبی و هنری قابل قبولی داشته باشد، نویسنده آن صاحب سبک باشد، مضمون رمان در ارتباط با مضامین خانوادگی باشد و...»

با توجه به ویژگی‌هایی که نویسنده کتاب مطرح کرده است رمان‌های نامبرده ذیل انتخاب شده‌اند:

سیندخت از علی‌محمد افغانی، بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند از جمال میرصادقی، جای خالی سلوچ از محمود دولت‌آبادی، باغ بلور از محسن مخملباف، زمستان از اسماعیل فصیح، زمین سوخته از احمد محمود، تالار آینه از امیرحسن چهلتن.

نویسنده با معرفی کوتاهی از رمان و نویسنده آن مناسبات خانوادگی، روابط و مناسک و مراسم را در هر یک از رمان‌ها تشریح کرده است در پایان نیز به تحلیل جمع‌بندی در قالب جداول و نمودار پرداخته است.

این کتاب با چاپ اول خود در ۵۰۰ نسخه، ۲۲۱ صفحه و به بهای ۱۲۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

چاپ چهارده نقدنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

چهارده نقدنامه از شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در گروه‌های علوم سیاسی، مدیریت، فلسفه و کلام، علوم تربیتی، زبان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، فقه و حقوق و تاریخ و باستان‌شناسی در سال ۱۳۹۳ منتشر شد.

۱- نقدنامه تاریخ، باستان‌شناسی و هنر (۲) به کوشش صادق آئینه‌وند و سیمین مقبسه

۲- نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی (۲) به کوشش سعید بزرگ بیگدلی و حسینعلی قبادی

۳- نقدنامه علوم تربیتی به کوشش محمدرضا نیلی و سید محمد حسین حسینی

۴- نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی به کوشش جان‌الله کریمی و احمد رضانی
۵- نقدنامه فلسفه و کلام، ادیان و عرفان (۱) به کوشش حسین کلباسی اشتری و ملکه پندجو

۶- نقدنامه فلسفه و کلام، ادیان و عرفان (۲) به کوشش حسین کلباسی اشتری و ملکه پندجو

۷- نقدنامه مدیریت به کوشش بهروز دری و پیمان دل‌سیناء

۸- نقدنامه علوم سیاسی به کوشش مجید توسلی رکن‌آبادی و رضا نجف‌زاده

۹- نقدنامه روان‌شناسی (۲) به کوشش غلامعلی افروز و علی اکبر ارجمندنیا

۱۰- نقدنامه فقه و حقوق به کوشش سید فضل‌الله موسوی و سید مهدی موسوی

۱۱- نقدنامه کتب و متون زبان و ادبیات روسی به کوشش جان‌الله کریمی مطهر و احمد رضانی

۱۲- نقدنامه کتب و متون زبان انگلیسی به کوشش جان‌الله کریمی مطهر و احمد رضانی

۱۳- نقدنامه کتب و متون زبان‌های خارجی به کوشش جان‌الله کریمی مطهر و احمد رضانی

۱۴- نقدنامه معرفی و نقد و بررسی کتب علوم اجتماعی (۳) به کوشش سید ضیاء هاشمی، مهری سادات موسوی و محبوبه سادات هدی

دکتر سید حسین حسینی، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در مقدمه این کتب از همه پژوهشگران و مولفانی که کتاب‌های آنان در این هشت نقدنامه، نقد و بررسی شده است، خواسته نظرات خود را به دبیرخانه شورای ارسال کنند.

برای دریافت و مطالعه سایر نقدنامه‌ها و همچنین درج نظر خود درباره هر یک از کتب نقد شده می‌توانید به تارنمای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به نشانی shmoton.ir مراجعه کنید.

عرفان‌های نوظهور از جهات بسیاری، تهدید عقیدتی هستند

دکتر هادی وکیلی، پژوهشگر عرفان و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی از انتشار اثر مفصلش در حوزه «عرفات تطبیقی» خبر داد و گفت: شناخت عرفانی جهان کمک می‌کند تا اصالت و ارزش عرفانهای مختلف را از هم متمایز کنیم و عرفان اصیل اسلامی را بشناسیم.

هادی وکیلی، دانش‌آموخته عرفان اسلامی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی سابقه سال‌ها تدریس در حوزه و دانشگاه را دارد و تاکنون در مراکز پژوهشی مختلف مانند پژوهشگاه امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات) و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول فعالیتهای مدیریتی و پژوهشی بوده است. *گلچین عرفانی امام خمینی(ره)*، *مختارات من نصوص العرفان الاسلامی*، *اشو؛ از واقعیت تا خلسه*، *نقدهای امام خمینی(ره) بر متن و شارح فصوص، الهیات فازی: روایت دیدگاه عرفانی امام خمینی(ره)*، *عرفان و تفکر فازی*، *تجربه‌های عرفانی و شبه‌عرفانی*، *فلسفه تجربه عرفانی*، *ملاطیه در بونه نقد*، *خرافه‌پردازی*، *خاستگاه و نقد آن و آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوپدید در ایران* از جمله کتب و مقالات این پژوهشگر حوزه عرفان است.

وکیلی حدود ۳ سال پیش اثر جامعی را درباره مهم‌ترین مکاتب عرفانی جهان و مقایسه و تطبیق مهم‌ترین آموزه‌های آن‌ها به رشته تحریر درآورده که هنوز منتشر نشده است. آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگو با هادی وکیلی درباره ویژگی‌های این اثر در آستانه انتشار است.

هادی وکیلی از انتشار کتاب‌اش پس از مدت‌ها انتظار، خبر داد و گفت: کتاب *عرفان تطبیقی* که نگارش آن مدت زمان طولانی است، تمام شده و قرار بود به چاپ برسد، امسال به قطع یقین توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ خواهد شد.

این پژوهشگر با اشاره به موضوعاتی که در مقدمه کتاب آمده، تصریح کرد: در درجه اول از چیستی، پیش‌فرض‌ها، پیامدها و انواع داوریه‌ها در عرفان تطبیقی سخن به میان آمده است و غرض و غایت و قلمروهایی را که در عرفان تطبیقی می‌توان طی کرد مطرح شده است.

به گفته این عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این فصل اشاره مختصری به جایگاه جنبش‌های معناگرا هم شده است. وی ادامه داد: این کتاب با مقدمه موضوعات عرفان تطبیقی شروع می‌شود و با شروع فصل‌ها به صورت تاریخی مطالعات در زمینه عرفان‌های ابتدایی، عرفان‌های قدیم چینی و هندی و همان‌طور عرفان بزرگ ادیان یهودی، مسیحی و اسلامی را دنبال می‌کند. این پژوهشگر حوزه عرفان اظهار کرد: کتاب «عرفان تطبیقی» در ۳ موضوع «انسان‌شناسی»، «جهان‌شناسی» و «حقیقت غایی» متمرکز شده و به بررسی تطبیقی عرفان‌های موجود در جهان می‌پردازد.

نویسنده «آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوپدید در ایران» با اشاره به سرفصل‌های مهم کتاب جدید خود گفت: یکی از مطالعات مهم در زمینه علوم، مطالعات تطبیقی است و با بارز نمودن اهمیت این موضوعات، به چیستی و وجود آنها پرداختم. به عنوان مثال «حقیقت غایی چیست؟»، «آیا این حقیقت‌های خدا است؟»، «موجودی متشخص یا غیر متشخص است؟» و همین‌طور مسائل مربوط به جهان مطرح شده است، «آیا جهان توهم است؟»، «واقعیت هستی چیست؟»، «چگونه واقعیتی دارند؟»، «آیا کثرات عالم موجوداند؟» و پرسش‌هایی از این قبیل که به صورت مجزا و جداگانه به هر کدام در کتاب پاسخ داده شده است. وکیلی با اشاره به پرداخت عرفان‌های مختلف در کتاب «عرفان تطبیقی» اظهار کرد: مطالعات تطبیقی

عرفان‌های اسلامی را در یک سو و دیگر عرفان‌های مسیحی، هندی و بودایی را در سوی دیگر قرار می‌دهد و مسائل و موضوعات عرفان اسلامی را با یکدیگر مقایسه می‌کند و شباهت و تفاوت‌ها مشخص می‌شود. وی در ادامه گفت: عرفان در ادیان، عرفان هندویی، عرفان بودایی، عرفان کنفوسیوس، عرفان یونانی و عصر هلن، عرفان عبری و یهودی، عرفان مسیحی، عرفان اسلامی... سرفصل‌های مهم کتاب هستند. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوعاتی چون عرفان اسلامی اشاره کرد و گفت: با توجه به میراث غنی که عرفان اسلامی دارد و حدود هزار و دویست سال پیشینه‌ای که طی کرده است، همچنین با توجه به ایجاد عرفان‌های نوظهوری که در بسیاری موارد برای جامعه ما نامانوس هستند و برخی حتی تهدیدات عقیدتی محسوب می‌شوند و از ایدئولوژی و الهیات ضعیف برخوردارند، شناخت عرفانهای جهان کمک می‌کند تا اصالت و ارزش حوزه‌های عرفانی را از هم متمایز کنیم و عرفان اصیل اسلامی را بشناسیم و به ارزش وجود آن دست پیدا کنیم.

به گفته وی، کتاب «عرفان تطبیقی» ۷۰۰ صفحه و ۸ فصل دارد و توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر خواهد شد و متن جامع و کاملی برای دانشجویان رشته ادیان و عرفان اسلامی خواهد بود.

تفکر «گذشته در گذشته می‌ماند» ناصحیح است

دکتر کریم مجتهدی عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره اهمیت توجه به مفاخر اندیشه‌ای و تاریخی اظهار داشت: تخصص اصلی من فلسفه غرب است و از فلسفه اسلامی چیز زیادی نمی‌دانم، ولی شخصیتی چون ابن سینا یک چهره بین‌المللی است که الان غربیان بهتر از ما او را می‌شناسند و از او بهره می‌برند. برنده مدال طلای جهانی ابن سینا با تأکید بر اینکه ویژگی‌های استثنایی بوعلی در مقایسه با دیگران، بسیار بیش از آن است که ما در ایران بدان توجه می‌کنیم، افزود: صد در صد مباحث ابن سینا برای دنیای امروز ما کاربرد دارد.

وی در ادامه افزود: یکی از اختلافات بزرگی که ما داریم و تصور اشتباهان این است که فکر می‌کنیم گذشته، گذشته است و دیگر هیچ سودی از گذشته عاید ما نمی‌شود در حالی که این تفکر اشتباه است و گذشته همیشه به عنوان امکانات آینده زنده است.

مجتهدی با تأکید بر اینکه هر فردی برای اینکه خود را بهتر بشناسد باید به گذشته خود بازگردد، یادآور شد: دانستن تاریخ علم و تاریخ فلسفه نیز به ما خیلی کمک می‌کند، این رویکرد بسیار مهم است و عاملی می‌شود تا از روزمرگی بدور شویم. چهره ماندگار فلسفه ایران در ادامه افزود: باید تلاشمان در جامعه این باشد که تولید کننده شویم نه صرف مصرف کننده که به هیچ دردی نمی‌خورد، برای تولیدکننده بودن نیز نیاز به تاریخ علوم داریم و گر نه در منجلاط سطحی نگری می‌افتیم.

مجتهدی با اشاره به اینکه برای خدمت به فرهنگ کشورمان باید مباحث تاریخی را فرا بگیریم، توضیح داد: جوانان ما باید به این مباحث توجه کنند اگر دلشان نمی‌خواهد که فرهنگ و تاریخ کشورمان مصادره شود، در مقابل سایر فرهنگ‌ها باید از فرهنگ خودمان دفاع و مراقبت کنیم.

گزارش رونمایی از کتاب «فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب»؛ اثر دکتر کریم مجتهدی

در جلسه رونمایی از کتاب *فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب* کریم مجتهدی، که به همت مرکز فرهنگ و اندیشه جهاد دانشگاهی تهران با مدیریت مالک شجاعی در دانشکده ادبیات این دانشگاه برگزار شد؛ سیدحمید طالبزاده و محمدمنصور هاشمی (ویراستار کتاب) و نیز با حضور مولف کتاب، به نقد و بررسی کتاب پرداخته شد. کتاب حاضر با تیراژ ۱۰۰ نسخه در نمایشگاه کتاب سال ۹۲ با استقبال زیادی مواجه شد اما با یک واقعه طولانی در سال ۹۳ در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه وارد بازار کتاب شد. کتاب حاضر ۲۹ اثر مجتهدی است که در مقدمه آن به خالاهایی که در سرفصل‌های آموزشی ما در این زمینه وجود دارد، اشاره کرده‌اند.

فلسفه، پیر برنا در حی بن یقظان

در ابتدا کریم مجتهدی چهره ماندگار فلسفه، در اهمیت کتاب و مسأله‌ای که باعث تالیف کتاب حاضر شد، به سخن پرداخت و گفت: مطمئن باشید در این جلسه درس نخواهم داد. اما لازم است در ابتدا خاطره کوتاهی از ایام عید بگویم، که در آن تعطیلی در حال مرتب کردن کتاب‌هایم، تصادفاً کتاب حکایات تمثیلی ابن‌سینا را پیدا کردم. مقدمه کتاب برای کوربن است که به فرانسه نوشته شده است اما آخر آن متن حی بن یقظان ابن‌سینا به فارسی چاپ شده است. کتاب دو زبانه است، شرح کوربن است راجع به حکایات تمثیلی ابن‌سینا، اما در یک قسمت آن، متن حی بن یقظان ابن‌سینا است که یک ترجمه‌ای از آن به شکل بند بند است و یک تفسیری از آن نیز نوشته شده است. در جوانی کتاب را خوانده بودم و در صفحه سوم کتاب یک نکته عجیبی برای من داشت، که از همان می‌خواهم شروع کنم و سپس برگردم و راجع به کتاب خودم صحبت کنم. در جایی از این متن که هر کس بوده باشد، خود ابن‌سینا یا شخصی فرضی، شرح می‌دهد که با پیروان و دوستان خود در زادگاهش به گردش می‌پرداخته است. در این تفرج ناگهان متوجه نکته جالبی می‌شود که این چند خط را عیناً می‌خوانم؛ «هندی از دور پدید آمد، زیبا و فرهمند و سالخورده، و روزگار

دراز بر او برآمده، و وی را تازگی برنا آن بود که هیچ استخوان وی سست نشده بود، و هیچ اندامش تباه نبود، و بر وی از پیری نشانی نبود جز شکوه پیری». فقط این قسمت مورد توجه من است «پیری پدید آمد» در رساله حی بن یقظان، آن پیر «عقل فعال» است؛ و در ادبیات شخصی من «این پیر»، «فلسفه» است. یعنی پدید می‌آید، چه بخواهید و چه نخواهید، پدید می‌آید. پیر است اما فرسوده نیست، برنا است و شکوه پیری را دارد بدون آن که ذلت پیری را داشته باشد. از نظر بنده این خود فلسفه است. وقتی که عنوان رساله به عربی «حی بن یقظان» است و به فارسی «زنده بیدار»، آن چیزی که همیشه زنده است و بیدار است «نفس فلسفه» است، ما نیستیم. ما یک روز بیدار هستیم و روز دیگر نه، یک روز آگاه هستیم و یک روز نه، یک روز ادیب و متفکر هستیم و روز دیگر نه. ولی فلسفه همیشه حی بن یقظان است یعنی زنده بیدار است.

این محقق فلسفه در ادامه گفت: قصد داشتم با این نکته رساله حی بن یقظان شروع کنم و از آن استفاده کنم و پلی بزنم به کتاب. این پیر در عصر «تجدید حیات فرهنگی غرب» دوباره آمده است و در واقع فلسفه دوباره زنده و بیدار شده است. تنها به جای این که الزاما به تصویر افلاطون باشد، به تصویر ارسطو و ابن‌سینا باشد، به تصویر لئوناردو داوینچی و نیکل آنز این دو هنرمند دوره تجدید حیات فرهنگی غرب است. برای این که پلی از آن به کتاب بزنم، پرده نقاشی برای این دوره تجدید حیات فرهنگی است از رافائل که در کتاب چاپ شده است. البته این تابلوها ۴ تا هستند که در واتیکان موجود است اما برای ما که فلسفه می‌خوانیم تنها یکی از این ۴ تابلو مهم است، و اسم این پرده نقاشی «مکتب آتن» است. شما در این پرده نقاشی که معمولا کتاب‌های فلسفه آن را چاپ می‌کنند، ولی توضیحی درباره آن بیان نمی‌کنند، یک ایوانی را می‌بینید که در وسط آن ایوان، چند پیرمرد ایستاده‌اند. یکی از آن‌ها چهره لئوناردو داوینچی است، رافائل به عمد چهره او را کشیده که کتاب تیمائوس

افلاطون را به دست دارد. می‌دانید این کتاب طبیعیات و فیزیک افلاطون و دوره قدیم است. و این کتاب را پیرمردی به دست دارد که به شکل لئوناردو داوینچی است. در سمت چپ وی پیرمرد دیگری قرار دارد که کمی از او جوان‌تر نیز است، که فرض است ارسطو است، و کتاب اخلاق نیکوماخوس را به دست دارد. این دو چهره هنرمند، نقاش، پیکرتراش، معمار هستند که قدرت تخیل فوق‌العاده‌ای دارند و ابتکارات استثنایی از خودشان نشان داده‌اند ولی دو چهره همان پیرمردی است که در متن ابن‌سینا اشاره شده است. در بقیه ایوان نیز باقی فلاسفه حضور دارند، پراکلیتوس و دیگران، حتا زرتشت هم هست که از این افراد جوان‌تر است و چهره‌ای که در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب، دوباره مطرح شده است. سنت‌های قدیمی و شرقی نیز در این تجدید حیات وجود دارد و تنها مربوط به دوره‌های دور یونان و روم نیست؛ بلکه می‌بینید که جنبه شرقی نیز در این تابلو وجود دارد. در یکی از فصول کتاب، مقاله مفصلی است از یکی از فروش‌های کلدانی و به معنایی فروش‌های مزدایی، که برای ایران است و در آن مطرح شده است.

کریم مجتهدی در انتهای سخنان خود افزود: در این فرایند جدید شرق نیز حضور دارد - شاید یک مقدار از این اعتقاد، به وطن‌پرستی من برگردد- حتا ایران نیز حضور دارد. برای این که فرهنگ گذشته و کهن ما، از دو راه به غرب رفت. یکی از سمت سوریه، مصر، اسکندریه و بالاخره به روم پیوست و دیگری از ناحیه شمال‌غربی ایران یعنی آذربایجان، مادها، ترکیه بود. از این راه تمام سنت‌ها و حکمت‌های میترایی به اسکندریه و بالاخره به روم پیوست. میترا نه پیامبر است و نه خدا، بلکه خادم خدا، پیامبر و حقیقت است. در واقع باید گفت او در جهت میل آن‌ها در حال فعالیت است. این سنتی بود که از سمت شمال‌غربی به روم رفته است.

نسبت ما با رنسانس، نوزایی، تجدید حیات فرهنگی غرب

در ادامه نشست محمدمنصور هاشمی بحث

خود را با عنوان «رنسانس، فلسفه و ما» به سخن پرداخت و گفت: به لطف ترجمه‌ها و تالیف‌هایی که در سال‌های اخیر در ایران صورت گرفته، می‌شود گفت فلسفه جدید دیگر در ایران چندان ناشناخته نیست و درباره فیلسوفانی مانند بیکن، دکارت، هابز، لاک، لایبنیتس، کانت و هگل مطالب قابل اعتماد قابل توجهی به فارسی در دست است. درباره فلسفه قرون وسطی این اندازه مطلب به فارسی در دسترس نیست اما باز کتاب‌هایی هست که خواننده علاقه‌مند بتواند به پشتوانه آن‌ها با قرون وسطی و فیلسوفان بزرگ مسیحی در آن دوره، آشنا شود.

این محقق ادامه داد؛ ولی در مورد دوره میانی فلسفه قرون وسطی و فلسفه جدید یعنی عصر نوزایی که دوره گذار سرنوشت‌ساز است و خود - به رغم کوتاهی - عصری است درخشان و کم نظیر در تاریخ بشر، تا چندی پیش مطالب بسیار کمی به فارسی وجود داشت و هنوز هم به طور کلی اطلاعات در این زمینه در زبان ما اندک است. بخشی از علت شاید این باشد که فلسفه در این دوره شکوفایی و غنای دوره‌های پیش و به ویژه پس از خود را ندارد. اما گمان نمی‌کنم این همه ماجرا باشد. این هم که در دوره‌های دانشگاهی فلسفه «رنسانس» صرفاً در ادامه قرون وسطی مطرح می‌شود و بیش از یکی دو جلسه به آن نمی‌رسد بخشی از ماجراست اما باز علت اصلی نمی‌تواند باشد. چرا که از سویی نه فقط درباره فلسفه در رنسانس که کلا درباره این دوره تاریخی با کمبود منابع به فارسی مواجه هستیم؛ و از سوی دیگر اگر به این دوره و نیز اندیشه در این دوره اهمیت می‌دادیم طبعاً مجال بیش‌تری هم برای آشنایی دانشجویان با آن در نظر می‌گرفتیم و رفته رفته متخصصانی هم برای تحقیق در این حوزه پرورش می‌دادیم.

او گفت: این که چرا ما تا به حال کم‌تر از آن چه بایست به «رنسانس» پرداخته‌ایم مسأله‌ای است که باید به آن اندیشید. تصور می‌کنم تأمل درباره این مسأله تا حدی گویای وضع تاریخی ما در دنیای جدید باشد و تا اندازه‌ای نسبت ما را با این تاریخ آشکار کند. من در این گفتار کوتاه بیش از این به این مسأله نمی‌پردازم و طبعاً پاسخی هم به آن نمی‌دهم. فقط در انتهای سخنم باز پرسشی را مطرح خواهم کرد که گمان می‌کنم با این مسأله نیز بی‌ارتباط نباشد. پاسخ‌های احتمالی را هم البته خود دوستان اهل اندیشه خواهند جست.

وی ادامه داد؛ همان طور که عرض کردم درباره فلسفه در دوره نوزایی منابع اندکی به فارسی وجود دارد. «فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب» کتاب اخیر استاد کریم مجتهدی - که سالخوردگی شرمنده همت ایشان است - یکی از آخرین تلاش‌ها برای جبران این کاستی است. من در این جا نخست به معرفی چند تایی از کتاب‌های موجود می‌پردازم و سپس اجمالاً کتاب استاد مجتهدی را معرفی می‌کنم و بعد چنانکه اشاره کردم پرسشی را درباره نسبت ما با رنسانس/نوزایی/تجدید حیات فرهنگی غرب مطرح می‌کنم. از میان آثار موجود پیش از همه باید نام بیرم از کتاب کلاسیک یاکوب بورکهارت - «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» - که مرحوم استاد محمد حسن لطفی آن را ترجمه کرده‌اند. هیچ پژوهشگری در حوزه تجدید حیات فرهنگی غرب از رجوع به این تحقیق تاریخی ممتاز بی‌نیاز نیست. کتاب «فرد و کیهان در فلسفه رنسانس» تالیف فیلسوف فاضل آلمانی، ارنست کاسیرر، با ترجمه درخور یدالله موقن را می‌توان مکمل کتاب بورکهارت دانست. چرا که در کتاب بورکهارت به جنبه‌های فکری و فلسفی رنسانس پرداخته نشده و کاسیرر دقیقاً به همین جنبه‌ها و به تحلیل اندیشه‌ها در آن زمانه پرداخته است. علاوه بر آن‌ها باید نام بیرم از مجلد «رنسانس» مجموعه خوش‌خوان «تاریخ تمدن غرب» ویل و آریل دورانت با ترجمه صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی که برای آشنایی کلی با تاریخ و فرهنگ آن دوره راه‌گشاست؛ نیز «امانیسم و رنسانس» پی‌یر ماری ترجمه عبدالوهاب احمدی که میراث امانیست‌ها را معرفی می‌کند؛ «انسان و طبیعت در رنسانس» تالیف آلن جی. دیبایس ترجمه علی حقی که درباره علم و تاریخ آن در دوره مورد بحث است؛ و بالاخره کتاب چشم‌نواز و ارزشمند «تاریخ هنر در رنسانس ایتالیا» اثر فردریک هارت با ترجمه هرمز ریاحی، نسرین طباطبایی، فریریز مجیدی و ناتالیا ایوانووا، درباره نقاشی و مجسمه‌سازی و معماری آن دوره.

این محقق فلسفه در ادامه سخنان خود افزود؛ «فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب» با عنوان فرعی «از دانته تا کامپانلا» شامل فصل‌هایی است در شناخت کلی دوره تجدید حیات فرهنگی غرب (یا به اصطلاح رایج فرانسوی رنسانس) و زمینه‌های تکوین آن، و دربردارنده مباحثی است درباره آثار و اندیشه‌های چهره‌های نامدار آن دوره و

اندکی قبل و بعد از آن؛ از جمله مطالبی درباره دانته و «کمدی الهی» و «رساله ضیافت» او، پترارکا و بوکاچیو، لئوناردو داوینچی و «شام آخر» و «خودنگاره» اش، رافائل و نقاشی‌های «مکتب آتن» با مضمون فلسفه و «مباحثه درباره سر قربانی مقدس» با مضمون الهیات. در این کتاب خواننده با اندیشه‌های شخصیت‌های فرهنگی مهمی مواجه می‌شود مثل نیکولاس کوزانوس که در برخی زمینه‌ها می‌شود او را پیشرو لایبنیتس و هگل دانست، گئورگیوس گمیستوس پلتون و مارسیلیو فیچینو که با کمک خاندان مدیچی به دنبال احیا میراث باستان و فلسفه افلاطون بودند؛ امانیست‌هایی مانند پیکو دلا میراندولا، اراسموس و موتنی، که هر یک به شیوه خود در صد گسترش شناخت از سویی و برقراری تعادلی تازه میان باورها و اوضاع و احوال زمانه از سوی دیگر بود، نیکولو ماکیاولی که بنیاد علم سیاست با نظر به سیاست واقعی را می‌گذاشت و جوردانو برونو که بی‌محابا افکار تازه‌اش را مطرح می‌کرد؛ ساونارولا و مارتین لوتر که ضمن نقد نهاد کلیسا سودای بازگشت به ارزش‌های صدر مسیحیت را در سر داشتند؛ و تامس مور و توماسو کامپانلا که آرزواندیشانه طرح آرمان‌شهرهای‌شان را می‌ریختند.

وی ادامه داد؛ تمام آن‌ها البته همه شخصیت‌های مورد بحث در کتاب نیستند و در «فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب» از پیتر پومپونازی و ژاک سادوله و ژاک لفور دتاپل و شارل بویه و ژان لودیوس و اتین دوله و میشل سروتو و پی‌یر راموس و ژروم کاردان و برناردو تلسیو و فرانچسکو پاتریزی و آگریا نتسهایمی و سباستین فرانک و پاراسلسوس و والتین ویگل و یاکوب بومیه هم سخن به میان آمده است.

طبعاً مرکز ثقل کتاب مباحث و اندیشه‌های فلسفی است اما از آنجا که فلسفه به طور کلی با فرهنگ پیوستگی جدی دارد و دانشجویان فلسفه غرب هم اگر فرهنگ غرب را نشانند درک درستی از فلسفه نخواهند داشت در آن، چنانکه اشاره شد، به ادبیات و هنر هم اشاراتی هست. هم‌چنین در کتاب به طور خاص توجه شده است به جنبه‌های باطنی، عرفانی، غنوصی اندیشه‌های اندیشمندان رنسانس و از جمله مثلاً توجه به سروش‌های کلدانی و سنت‌های هرمسی و نیز میراث زرتشت و

تلقی‌ای که از این شخصیت مهم فرهنگ ایران در آن دوره وجود داشته است.

هاشمی هم‌چنین افزود؛ دوره نوزایی دوره کنجکاوی بوده است و این کنجکاوی همه حوزه‌ها را دربرمی‌گرفته است، حتا کیمیا و سحر و جادو را. توجه به این جنبه‌ها از سویی فراتر رفتن از سیطره کلیسا و محدودیت‌های نهاد دین رسمی بوده است و تجربه جست‌وجوی معنویت در صورت‌های دیگر و از سوی دیگر کنجکاوی در شناخت طبیعت؛ اگر در قرون وسطی ساحران را می‌سوزانند در این دوره کسانی نسبت به سحر هم کنجکاوی می‌کردند.

او گفت: رنسانس نه تنها یکی از مهم‌ترین و موثرترین دوره‌ها در تاریخ بشر است که تقدیر اقوام و فرهنگ‌ها را در پی خود رقم زده است بلکه خواندن درباره آن برای علاقه‌مندان به اندیشه و علم و هنر می‌تواند تجربه‌ای به راستی هیجان‌انگیز و لذت‌بخش باشد. دوره کنجکاوی عظیم، دوره‌ای که در آن مرز مشخصی میان علم و هنر و ادبیات و فلسفه نیست، دوره چاپ و آغاز عمومی شدن دانش. دوره‌ای که مسیحیان اروپا در پی یک شکست بزرگ - یعنی از دست دادن قسطنطنیه یا استانبول و واگذار کردن آن به سلطان محمد فاتح در ۱۴۵۳- با بحران مواجه شدند و آن وضع به نوبه خود به نقادی وضع موجود انجامید (جالب است که در زبان‌های اروپایی نقادی و بحران از یک ریشه‌اند، گویی هم‌زاد یکدیگرند) و افق‌های بسته را باز کرد. دوره‌ای که به پشتوانه وضع اقتصادی مساعد شهرهایی مثل فلورانس و میلان و رم نوعی شکوفایی پدید آمد که به دیگر کشورهای اروپا هم ریشه دواند و فرهنگ لاتینی را به شدت متأثر کرد. چنانکه بعد از این دوره نهضت اصلاح دینی عمده‌تا فرهنگ‌های ژرمنی اروپا را تحت تأثیر قرار داد تا ترکیب هر دو سپس

دوره روشنگری را در آن جا ایجاد کند و این همه تجدیدی را شکل دهد که اکنون حواله تاریخی همه فرهنگ‌هاست.

دوره نوزایی غرب از نگاه یک متفکر ایرانی در ادامه نشست، در بخش پایانی آن، سیدحمید طالب‌زاده عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران به بیان نکاتی در مورد کتاب پرداخت و گفت: این اثر در وجهه فرهنگی، هنری، تاریخی و فلسفی، دوره نوزایی را به شکل پیوسته نشان داده است که بدون ارتباط موجود بین آن‌ها، تقریباً فهم آن دوره غیرممکن است.

او گفت: نکته دیگر که باید درباره این کتاب به آن اشاره کنم این است که استاد به شکلی دیگر، تاریخ‌نگاری فرهنگی اندیشه غربی را از نگاه یک متفکر ایرانی نشان دادند؛ زیرا پرداختن به این امر، در غرب و در نوشته‌های اندیشمندان غربی، فراوان دیده می‌شود. اما این موضوع در میان نویسندگان و اندیشمندان ما، تاریخ زیادی ندارد. دکتر مجتهدی مطالب مرتبط به این موضوع را به هم پیوسته و شیوا بیان کرده‌اند و در واقع تمام ابعاد مختلف موضوع را در کتاب در کنار هم و مرتبط با هم آورده‌اند.

طالب‌زاده ادامه داد؛ شخصیت‌هایی در این کتاب مطرح شده‌اند که همیشه از انظار پنهان بوده‌اند و چندان بهایی به آن‌ها داده نمی‌شد؛ داوینچی، پیکو و دیگران. طرح آن‌ها از سوی یک استاد فلسفه، زمینه خوبی است برای توجه به این موضوع در حوزه آکادمیک. و نیز مناسب است در این زمینه‌ها، با این کتاب و کتاب‌های نظیر آن، پایان‌نامه‌هایی در خصوص این موضوعات نوشته شود. در واقع عوامل فلسفی در فلسفه به خوبی نشان دادند که چه‌گونه روح تازه‌ای در هنرمند، کشیش، مهندس و ریاضی‌دان، در یک تلاطم تاریخی کم‌کم در حال آشکار شدن، و در حال تجسم پیدا کردن است. گویی آن نکته

اساسی دنیای مدرن در حال منعقد شدن و در حال شکل گرفتن است.

استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران افزود؛ بحث‌های مختلفی در کتاب مطرح شده است مثلاً در بحث کوزانوس که در اندیشه ریاضی مطرح شده و این که با تفکر کوزانوس داریم با دنیای مدرن مواجه می‌شویم؛ و نیز بحث متناهی و نامتناهی و این که ما به عنوان موجودی متناهی نمی‌توانیم، حرکتی در جهت نامتناهی داشته باشیم. بحث متناهی، بحث ریاضی، بحث تأثیر نامتناهی در وحدت در ایجاد وحدت در مفاهیم، بحث‌های بسیار مهمی است که به یک معنا دیدگاه‌های ارسطویی را در تقسیم‌بندی مفاهیم و سلسله مراتب مقولات، به طور کلی تحت‌شعاع قرار داده است.

او اشاره داشت؛ بنابراین با این توضیحات، سوال این است که آیا می‌توان کوزانوس را به یک معنا پیشرو کانت در این مباحث دانست؟ و آیا جای هست که قدری به ارتباط تفکر کوزانوس و کانت اشاره شده باشد و به خواننده بگوید که متفکر مهمی به نام کوزانوس چه راهی را برای آینده و آیندگان باز کرده است. در مطالب این کتاب اگر چه اندیشمندان به طور جداگانه به خوبی توضیح داده شده است، به تفصیل و نیز به اجمال، اما به نظر می‌آید که تأثیر آن اندیشمندان بر یکدیگر، این که در این اثرپذیری کم‌کم اندیشه مدرن در حال شکل‌گیری است، چندان روشن نشده است. به هر حال نحوه درونی شکل‌گیری ابعاد گوناگون مدرنیته، در خلال بررسی اندیشه این شخصیت‌ها، به نظر می‌رسد احتیاج به توضیح بیش‌تری باشد.

حمید طالب‌زاده در انتهای بحث خود تأکید کرد؛ در مجموع باید بگوییم این اثر برای بسیاری از پژوهش‌ها و تحقیقات آینده راه‌گشا است و می‌تواند منبع مناسبی برای پژوهشگران و دانشجویان این حوزه باشد.

رهبر معظم انقلاب مدّ ظله العالی:

«هفته دولت فرصت مغتنمی است تا مردم با نتایج تلاش‌های بخشی از مجموعه نظام اسلامی آشنا شوند.»

هشتم شهریورماه هر سال یادآور فداکاری‌های فرزندان پاک نهاد و ارجمند انقلاب، شهیدان معظم، رجایی و باهنر است. ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره شهیدان والا مقام دولت، چهارم شهریور روز کارمند را به تمامی همکاران محترم پژوهشگاه تبریک عرض نموده و از زحمات صادقانه‌شان تشکر و قدردانی می‌شود.

صادق آیین‌هوند

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روشنمند کردن ترجمه علوم توسط امام رضا (ع)

دکتر صادق آیینه‌وند

هدایت و گره زدن سیاست به هدایت خلق، تدبیر امت و حضور در مراسم و مجالسی تاکنون به این شکل با حضور امام برگزار نشده بود، مانند نماز عید فطر، نماز باران و ایام و مناسبت‌های مختلف دیگر نشان داد که مسیر دیگری در سیاست امت هست که می‌توان آن را با هدایت گره زد و این کار را امام رضا (ع) عملاً انجام داد.

امام (ع) تشخیص دادند که حضورشان در صحنه می‌تواند به هدایت مردم کمک کند، گرچه امام (ع) به اجبار به صحنه آمد، اما وقتی به صحنه آمدند با عنایت به قدرت، توانمندی، معنویت و بهره‌وری از علم و در حقیقت استفاده از مواهب الهی توانستند در همین مسیر اجباری به نحوی سکان را به دست بگیرند که خود عباسیان که می‌خواستند از این فضا استفاده کنند، متحیر شدند و در حقیقت به این نتیجه رسیدند که زبان حضور امام رضا (ع) در دربار بیشتر از آن چیزی بود که تصور می‌کردند، بنابراین ایشان را به شهادت رساندند و مانع از فعالیت و حضور ایشان شدند اما در همان مدت کمی که امام در اختیار داشتند و به عنوان سیره امام وجود دارد، در صحنه‌هایی که حضور پیدا کردند ثابت شد که در حقیقت نوعی از سیاست و تدبیر و کیاست و هدایت می‌تواند با هم، آمیزش داشته باشد که تا به حال دیده نشده است. این، آن چیزی بود که امام (ع) به دست گرفت. بنابراین به نوعی می‌توان گفت امام (ع) در عین اینکه در دارالعماره عباسیان بود، ولی از قدرت فوق‌العاده‌ای استفاده می‌کرد و محبوبیت زیادی داشت که عباسیان دیگر نتوانستند حضور امام (ع) را تحمل کنند.

نکته دیگری که در زندگی علمی و اجتماعی امام رضا نمایان است روشنمندسازی ترجمه علوم است. عباسیان، علوم یونانی و رومی و حتی هندی را وارد جهان اسلام کردند، اما هدف آن‌ها از انتقال علوم، هدایتی و تربیتی نبود که مثلاً تمدن اسلامی را با صبغه اسلام بسازند اینها بیشتر می‌خواستند به اهداف خود برسند و مجموعه ترجمه‌ها را با اهداف دیگری در میان مردم منتشر می‌کردند. در این زمان احساس شد که اختلاف‌های کلامی و فرقه‌ای به خاطر ترجمه کتاب‌ها فراوان شده است. امام رضا (ع) این‌ها را روشنمند کردند و نشان دادند که علم صحیح را چگونه باید اخذ کرد. چگونه باید مجادله کرد و شیوه و مسیر کلام و سخن گفتن و احتجاج و مجادله را نشان دادند. در حقیقت امام (ع) با حرکت عملیاتی خودشان یک مسیر روشنی را پیش روی امت اسلامی قرار دادند.

آنچه در پی می‌آید خلاصه اظهارات دکتر صادق آیینه‌وند درباره حضرت امام رضا (ع) است که به شکل یادداشت گونه در زیر می‌خوانید:

دکتر صادق آیینه‌وند: حرکت امام رضا (ع) از مدینه به طرف ایران از چند جهت باعث برکات فراوانی برای ملت ایران شد؛ یکی اینکه ایشان به عنوان امام هشتم شیعیان جهان و عالم آل محمد (ص) یکی از کسانی است که در هدایت جهان اسلام نقش اساسی داشته است.

اگر شرق و غرب جهان اسلام را در نظر بگیریم، امام رضا (ع)، تمام این وادی‌ها را سیراب کردند. به‌ویژه اینکه اختلافاتی میان امامزاده‌ها و کسانی که منسوب به علوی‌ها بودند، وجود داشت که این اختلاف‌ها مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده بود، با آمدن امام رضا (ع) و در حقیقت شناخته شدن آن بزرگوار به عنوان رهبر و هادی جهان اسلام، تمام این مشکلات برطرف شد و جهان اسلام خود را از این منبع نورانی بهره‌مند کرد.

در گذشته، اغلب ائمه (ع) در مدینه بودند و یا تحت فشار عباسیان مجبور بودند که به مناطق دیگر مانند عراق سفر کنند، ولی هیچ کدام در ایران به هدایت خلق خدا نپرداخته بودند. ایران، هم دروازه شرق بود، به خصوص خراسان بزرگ که می‌توانست برای شرق مهم باشد، سفر امام رضا (ع) زمینه‌ای فراهم کرد که باعث شد ایرانی‌ها مستقیماً از وجود این امام (ع) بهره‌مند شوند و نقطه توجهی بر جهان اسلام به‌ویژه در منطقه شرق و خراسان بزرگ شود. این موضوع از این نظر قابل توجه است که مورد عنایت علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) واقع شد که در این قسمت از ایران بیشتر از همه جای جهان اسلام بودند.

دیگر اینکه مباحثی که این امام همام (ع) با اهل علم به‌ویژه فیلسوفان و متکلمان از مذاهب و فرقه‌های مختلف که در این منطقه زندگی می‌کردند انجام داد؛ در واقع یک مسیر اعتقادی صحیحی را برای امت به یادگار گذاشت که این از زاویه سوم مورد توجه است که کمتر دیده شده ائمه (ع) قبل از ایشان توانسته باشند چنین فرصتی را به دست بیاورند و این فرصت برای امام رضا (ع) فراهم شد.

از سوی دیگر، امام رضا (ع) بسیار خوب و عملی وارد سیاست شدند؛ بدین معنا که سیاست صحیح را به امت یاد دادند. درست است که عباسیان می‌خواستند بهره‌برداری سویی از امام (ع) داشته باشند اما ایشان عملاً با تسلط، مهارت، هدایت و محبوبیتی که در جهان اسلام داشت، توانست در حقیقت مسیر سیاست را معنوی و مقدس کند. حضورشان در صحنه

سردبیر: دکتر محسن علوی پور
هیئت تحریریه: افسرالملوک ملکی،
شاهین آریامنش، فرزاد حسینی،
اعظم صادقیان و سمانه خودچپانی
طراح و صفحه‌آرا: شهره خوری